

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشریه محراب سال چهارم / شماره هشتم



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد

سر دبیر: محمدصادق منتظری

دبیر تحریریه: مهدی منتظری

دبیر سرویس پیشخوان: رضا سادات

دبیر پرونده عاشورا: حسین رحیمی

دبیر سرویس امام مسجد: ابوالفضل میرشکاری

دبیر پرونده دخترانه: مهدی رزاقی طالقانی

همکاران تحریریه: حجج اسلام والمسلمین جواد محدثی، محمدعلی رضایی اصفهانی،

ناصر رفیعی، محمدحسن الهی فر، محمدرضا زیبایی نژاد، حسین بستان، محمد حاجی پور

و خانم دکتر زهرا آیت اللهی، دکتر فریبا غلاسوند و نیلوفر زیران پور، محمدحسین

شیخ شعاعی، محمدقاسم سبزی پیری و نرگس محمدی

ویراستار: نرگس مروجی

طراح و گرافیک: داود دادور

نشانی: تهران/ خیابان سعدی شمالی/ کوچه صفامنش/ مجتمع فرهنگی

آموزشی محراب/ طبقه اول

کد پستی: ۵۶۵۱۱۱۴۵۷

تلفن: ۰۲۱۶۶۳۴۶۹۴۱

نمابر: ۰۲۱۶۶۳۴۷۹۳۴

تارنما: amozesh.masjed.ir

پیشخوان

- ۶ غفلت کنیم، دچار استحاله فرهنگی می‌شویم!
- ۱۱ وحدت اسلامی در پازل نظم نوین جهانی

پرونده عاشورا

- ۱۷ مردم‌شناسی و کارکردهای واقعه کربلا
- ۲۳ قیام عاشورا، مبانی و اهداف قرآنی
- ۲۸ عاشورا، الگوی مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی
- ۳۴ نافذ البصیره
- ۳۵ جرعه‌ای از حوض کوثر
- ۳۷ در نقل مقتل‌ها حساسیت ایجاد نشود
- ۴۲ ... مسیر زینب (علیها سلام)
- ۴۴ معرفی کتاب
- ۴۸ کتاب‌های عاشورایی و روضه‌های عاشورایی

امام مسجد

- ۵۰ درمانگاه مساجد
- ۵۲ مردم را گروگان نگیریم
- ۵۴ مسجد، کنشگری، هنر
- ۵۸ پنج وظیفه، یک معاونت

دخترانه

- ۶۴ دختران چه سؤالاتی از ما می‌پرسند
- ۶۷ که نقشی نو در اندازیم
- ۷۱ دخترانه تربیت کنیم!
- ۷۳ برکرانه کرامت
- ۷۶ تربیت دخترانه چیست؟



حسین یعنی معنای فضیلت‌ها

■ به شدت رنگ گرفت تا جایی که وارث آنان شد.

■ ۴- هنگامی که می‌گوییم حسین وارث پیامبران است به این معنا نیست که آن حضرت از آن بزرگواران ارث مادی برده‌است، بلکه به این معنا است که جلوه‌گاه حقیقت همه ارزش‌های الهی و معنوی آنان را به ارث برده‌است.

■ ۵- پربارترین و سنگین‌ترین ارثی که از پیامبران برای پس از خودشان باقی ماند، ارزش‌های الهی و انسانی و فرهنگ ثمربخش و پاکشان بود که هر انسانی با نشان دادن لیاقت و شایستگی و از طریق حسب و نسب معنوی می‌توانست از آن بزرگواران ارث ببرد و در میان همه، سهم ارث‌بری امام حسین (علیه السلام) به خاطر بستگی روحی به آنان، سهم فوق‌العاده‌ای بود.

■ ۶- امام حسین (علیه السلام) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ارزش‌های الهی و از امیرالمؤمنین علی (سلام الله

■ ۱- حضرت امام حسین (علیه السلام) به مدت هفت سال در آغوش پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله) تربیت یافت. پیامبر بارها درباره او فرمود: خدایا من حسین را دوست می‌دارم؛ پس دوست بدار کسی که او را دوست می‌دارد.

■ ۲- «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ؛ حسین از من است و من از حسینم». پیامبر، امام حسین را احیاکننده شریعت خود و نگه‌دارنده قرآن و مکتب خود می‌داند. این مقام جز با پاسداری خالصانه از اسلام و قرآن و نثار خون‌های پاک و مقدس در احیای دین رسول الله (صلی الله علیه و آله) به دست نمی‌آمد.

■ ۳- امام حسین (علیه السلام) جلوه اوصاف پیامبران است. او در آئینه قرآن و در محضر پیامبر اسلام و بادرک ارزش‌های وجودی پیامبران، آنان را می‌دید و سراپا عاشق آنان شد و در دنیای باطنش همراه و همراز آنان گشت و از ارزش‌های وجود آنان

فراست و ذکاوت، شجاعت و شهامت، آزادی و سعادت، فداکاری و گذشت، امیدواری و آرزو، شرافت و عشق، مرام و مسلک، سیاست ملی و مظلومیت اجتماعی. بر همه کس واضح و آشکار است که اگر حسین علیه السلام نبود، این کلمات معنا نمی شد.

پی نوشت ها:

(۱) ابن قولویه، کامل الزیارات، ۱۳۵۶ ق، ص ۵۳.

(۲) علامه مجلسی، مفتاح الجنان، جزء ۱، صفحه ۵۲۰؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.

علیه) همه حقایق را به میراث برد و از طریق این ارث بری و همنشینی باطنی به جایی رسید که در زیارت وارث به آن حضرت خطاب می شود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ»^۲

■ ۷- امام حسین علیه السلام از جهت فضیلت و کمال اخلاقی بر همه کس برتری و رجحان داشته است؛ عشق و اراده، صبر و فداکاری، حسن خلق، تواضع، ادب، بخشش، صلّه رحم، راستی، درستی، عبادت،



جهت شناخت موضوعات و مسائل اولویت‌دار در نظام اسلامی، باید به تأکیدات و کلیدواژگان پرتعداد رهبر معظم انقلاب نگاه ویژه‌تری داشته باشیم. در بین این تأکیدات و کلیدواژگان در پیشخوان این شماره، به مقوله ضرورت تبلیغ دین و همچنین نسبت و تأثیرگذاری اتحاد کشورهای مسلمان با نظم جدید جهانی از نگاه آیت الله خامنه‌ای پرداخته شده است.

پیشخوان



وحدت اسلامی
در پازل نظم نوین جهانی



غفلت کنیم، دچار
استحاله فرهنگی
می‌شویم!



غفلت کنیم، دچار استحاله فرهنگی می‌شویم!

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مبلغان و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور - ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

امروز نگاه رایج در حوزه‌های علمیه این است که تبلیغ در مرتبه دوم قرار دارد. مرتبه اول چیزهای دیگر است [مانند] مقامات علمی و امثال این‌ها. تبلیغ در مرتبه دوم است. ما از این نگاه باید عبور کنیم. تبلیغ، مرتبه اول است؛ چرا این را می‌گوییم؟ برای این‌که ما هدف دین را چه می‌دانیم؟ دین خدا آمده‌است با ما انسان‌ها چه بکند؟ خب یک هدف نهایی داریم که عبارت است از این‌که ما را در مسیر خلیفه‌اللهی، در مسیر انسان کامل ارتقا بدهد، بالا ببرد. حالا هرچه ظرفیت داشته باشیم. این هدف نهایی دین است. هدف‌های میانی و ابتدایی هم وجود دارد، مثلاً اقامه قسط: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یا تشکیل نظام اسلامی: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» مرکز اطاعت، دین است؛ این یعنی تشکیل نظام اسلامی. این جزو اهداف دین است، هدف میانی است. یا فرض کنید که اقامه معروف، اشاعه معروف، ازاله منکر، ترویج «کَلِمَ طَيِّبٍ» و عمل صالح: «أَلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» خب این‌ها اهداف دین است. هرکدام از این‌ها را که شما نگاه کنید، وسیله و ابزار رسیدن به آن، تبلیغ است؛ بدون تبلیغ نمی‌شود.



نشریه محراب
شماره هشتم

اگر امروز حوزه علمیه از اهمیت تبلیغ و حساسیت تبلیغ و مضاعف بودن وظیفه تبلیغ غفلت بکند، دچار عارضه‌ای می‌شویم که جبران‌ش به‌آسانی ممکن نیست، نمی‌گوییم محال است اما به‌آسانی ممکن [نیست]

قرآن و دعوت به تبلیغ

کلمه «بلاغ» یا «بلاغ مبین» در قرآن حدود دوازده سیزده جا آمده. «بلاغ مبین» یعنی آن رساندنی که جای شبهه‌ای باقی نگذارد: «وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين» باید جای شبهه باقی نگذارد. بلاغ، [یعنی] رساندن، رساندن پیام به گوش‌ها و به دل‌ها، این در قرآن بارها تکرار شده، دوازده سیزده مورد تکرار شده، از قول پیغمبران تکرار شده: «ما عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين» از قول خدای متعال خطاب به پیغمبر تکرار شده: «فَأَنذِرْ عَالِيكَ الْبَلَاغَ» از همین ماده بلاغ «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» [هم هست] و آیات متعدد دیگری هم در این زمینه هست: «أُفْلِحُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي» «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» تعبیرات موازی و هم‌معنای با «بلاغ» هم در قرآن الی‌ماشاءالله [هست] تبلیغ «دعوت» چقدر در قرآن تکرار [شده]: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» و همین‌طور آیات متعدد دیگری با تعبیر عنوان «دعوت». آیات متعدد فراوان با عنوان «انذار و تبشیر»؛ ترساندن و بشارت دادن. همه این‌ها دعوت است دیگر، همه این‌ها تبلیغ است.

اگر تبلیغ را دست‌کم بگیریم

اگر امروز حوزه علمیه از اهمیت تبلیغ و حساسیت تبلیغ و مضاعف بودن وظیفه تبلیغ غفلت بکند، دچار عارضه‌ای می‌شویم که جبران‌ش به‌آسانی ممکن نیست، نمی‌گوییم محال است اما به‌آسانی ممکن [نیست] و دچار استحاله فرهنگی می‌شویم.

اگر، لاسمح‌الله، استحاله فرهنگی پیش بیاید، درست کردنش، جبران کردنش دیگر کار یک ذره و دو ذره نیست. امام در یک مواردی مکرر می‌فرمودند که اگر چنین اتفاقی بیفتد، اسلام یک سبیلی‌ای خواهد خورد که تا سال‌های متمادی اثرش بر روی او باقی خواهد ماند. اگر غفلت بکنیم، از گناهان بزرگ قبح‌زدایی می‌شود، از کبائر قبح‌زدایی می‌شود، عادی می‌شود. می‌بینید که در غرب شده؛ در غرب همین‌طور قدم‌به‌قدم دارند پیش می‌روند. اگر تبلیغ را دست‌کم بگیریم، این‌ها دامن جامعه ما را خواهد گرفت.

چند نکته کاربردی

۱) شناخت مخاطب

اگر ما بخواهیم درست تبلیغ بکنیم باید مخاطب خودمان را بشناسیم. باید بدانیم طرف مقابلمان در چه مرحله فکری قرار دارد تا محتوا را، ماده را و صورت را، هیئت را، بر طبق نیاز او تنظیم کنیم؛ بدون این، فایده‌ای ندارد. علاوه بر این که سطح فکر جوان ما، نوجوان ما، مخاطب ما، بالا رفته، یک آفتی هم وجود دارد و آن این که در این آشفته‌بازار صداهای مختلف فضای مجازی و تکثر رسانه‌ای که وجود دارد، در این صداهای گوناگون، یک صدا در انزوا قرار گرفته و آن، صدای انتقال معارف نسلی و خانوادگی است. پدرها، مادرها خیلی چیزها را به بچه‌های‌شان یاد می‌دادند. خیلی از این مردم ما، یعنی شاید بشود گفت اکثر [آنها]، معلومات دینی‌شان، دانسته‌های دینی‌شان، از زبان و رفتار پدر و مادر به این‌ها منتقل شده بود. این صدا امروز ضعیف شده، در این غوغای



سابق جوان‌ها را برحذر می‌داشتیم
از رفیق بد، مصاحب بد. حالا
مصاحب بد داخل جیبش
است، صفحه مصاحب بد جلوی
چشمش است، همه چیز در آن
هست. این مخاطب را بشناسید.

کلمه بخواهد تحقق پیدا کند، لازمه اش شناخت صحنه است؛ یعنی شما باید بدانید که وقتی با انبوه شبهه در ذهن جوان‌ها مواجه می‌شوید، با چه کسی طرفید. ما با چه کسی طرفیم؟ حالا فرض کنید که یک شبهه‌ای را فلان سرمقاله‌نویس یا فلان ستون‌نویس فلان روزنامه یا مثلاً فلان توییت‌زن در فلان شبکه یک چیزی را مطرح کرده، ما با چه کسی طرفیم؟ این کیست؟ آیا این خودش است که این کار را دارد می‌کند؟ احتمال قوی هست که این جور نباشد، احتمال قوی هست که این یک پشت‌صحنه‌ای داشته باشد. آن پشت‌صحنه کیست؟ باید او را شناخت. ببینید، یک روز در این کشور توده‌ای‌ها فعالیت می‌کردند؛ فعالیت تبلیغی و غیره. ظاهر مطلب این بود که این یک جوان توده‌ای است، به من مثلاً فرض کنید که جوان آخوند یا غیر آخوند رسیده و مثلاً می‌خواهد حرف خودش را بر ذهن من غالب کند. این ظاهر قضیه بود، اما باطن قضیه این نبود. باطن قضیه این بود که حزب توده اساساً متکی بود به یک دستگاه فکری و سیاسی گسترده‌ای به نام «شوروی». توده‌ای‌ها اصلاً از آن‌جا استفاده می‌کردند، تغذیه می‌شدند، ارتزاق مادی و فکری می‌کردند؛ با منبع مارکسیسم مواجه‌اید. لذا این‌جا دانشمندان هوشمند آن روز ما، مثل مرحوم علامه طباطبائی، نرفتند سراغ این‌که جواب این‌ها را بدهند، جواب مارکسیسم [را دادند]. این روش رئالیسم جواب مبانی فکری مارکسیستی است. مبانی فکری نقطه مقابل را پیدا کنند، آن را هدف قرار بدهند. بسیاری از کارهای مرحوم شهید مطهری از این قبیل است.

تکثر رسانه‌ای این صدا ضعیف شده است. سابق جوان‌ها را برحذر می‌داشتیم از رفیق بد، مصاحب بد. حالا مصاحب بد داخل جیبش است، صفحه مصاحب بد جلوی چشمش است، همه چیز در آن هست. این مخاطب را بشناسید. اگر چنانچه ما مواد تبلیغی مان و شیوه تبلیغمان متناسب با این وضعیت مخاطب نباشد، ناموفق خواهیم بود.

۲) شناخت پشت‌صحنه

تبلیغ صرفاً پاسخگویی به شبهه نیست، موضع دفاعی نیست، این جور نیست که ما خیال کنیم بنشینیم ببینیم چه شبهه‌ای وجود دارد، پیشگیری کنیم از آن شبهه، یا پاسخ بدهیم به آن شبهه. خب بله، این کار که واجب است، لازم است، اما فقط این نیست. طرف مقابل مبانی فکری دارد، باید به آن حمله کرد. طرف مقابل حرف دارد، فکر دارد، منطق دارد، مبانی این منطق، مبانی غلطی است؛ ما باید این‌ها را بشناسیم. در تبلیغ، موضع تهاجم لازم است. اگر چنانچه این موضع تهاجمی به معنای واقعی



یکی از این جاذبه‌ها مسجد است، یکی از این جاذبه‌ها هیئت است؛ این‌ها مهم است. آباد کردن مساجد، زنده نگه داشتن مساجد، یکی از کارهای واجب است. مسجد بایستی محلّ رفت‌وآمد دائمی مردم باشد

۳) روحیه جهادی در تبلیغ

روحیه جهادی که عرض می‌کنیم، معنایش این نیست که توانایی‌های معرفتی و اخلاقی و مانند این‌ها لازم نیست؛ چرا، آنها به جای خودش واجب است اما روحیه جهادی هم لازم است. این روحیه جهادی با توجه به این آیه شریفه است: «وَلَا يَطُؤْنَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ» آن کاری که غیظ کفار را برانگیزد، عمل صالح است. «يَنَالُونَ مِنْهُ» یعنی ضربه زدن. «نَالٌ» به دو معنا استفاده می‌شود، اما وقتی با «مِنْ» باشد، «لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا» معنایش این است که ضربه‌ای به او نمی‌زند، «إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ» [مگر این‌که برای او] عمل صالح می‌نویسند. خب این بهترین جهاد است دیگر. روحانیت باید وسط میدان باشد، باید مایوس نشود؛ خاصیت عمل جهادی این است. در حاشیه نشستن و گاهی مثلاً یک اشاره‌ای کردن، یک نصیحتی کردن، یک پیامی دادن، مثل روحانیت مسیحی، کافی نیست. حالا البته روحانیت مسیحی چند جور هستند؛ بعضی‌شان در کلیساها محبوس بودند، [یعنی] خودشان را محبوس کردند، بعضی به عکس، پیش‌قراول استعمار شدند.

۴) توجه ویژه به نسل جوان و نوجوان

البته از دیگر قشرها نباید غفلت کرد؛ قشر اهل فکر، صاحبان فکر، صاحبان نظر، عالمان، دانشمندان، هنرمندان، نویسندگان، شاعران. برای همه این‌ها بایستی انسان خوراک فکری داشته باشد، آمادگی

داشته باشد، لکن اهمّ از همه، قشر جوان و نوجوان است؛ فردای کشور مال این‌ها است، در اختیار این‌ها است، ایمانشان باید محکم باشد، ذهنشان باید خالی از شبهه باشد. ابزارهای ترغیب جوانان به التزام عملی به دین، خیلی مهم است. ما گاهی جوانی داریم که حماسه و علاقه و شور حسینی مثلاً فرض کنید او را می‌کشاند به یک راه درستی، به راه مجاهدت، اما در اعمال عبادی ضعیف است. خب، اعمال عبادی خیلی اهمیت دارد. نماز خیرالعمل است دیگر، از همه اعمال بالاتر است دیگر، فلاح است، خیرالعمل است. مثلاً فرض کنید از نماز گاهی غفلت می‌کند. از این قبیل داریم. [برای این‌که] چیزی بتواند این جوان را به اعمال عبادی و اجتناب از گناهان تشویق کند، عواملی، جاذبه‌هایی وجود دارد. یکی از این جاذبه‌ها مسجد است، یکی از این جاذبه‌ها هیئت است؛ این‌ها مهم است. آباد کردن مساجد، زنده نگه داشتن مساجد، یکی از کارهای واجب است. مسجد بایستی محلّ رفت‌وآمد دائمی مردم باشد. البته هیئت‌ها خوب‌اند. هیئت هم یکی از چیزهایی است که مشوّق جوان‌ها است.

۵) موعظه‌پذیری

از موعظه هم غفلت نشود که من اول هم عرض کردم. همه احتیاج داریم به موعظه؛ همه، همه، بی‌استثنا! همه ما احتیاج داریم به موعظه. گاهی چیزهایی را می‌دانیم اما گاهی در شنیدن، اثری هست که در دانستن نیست. باید بشنویم موعظه را، مواظظ حسنه را.

مأموریت‌های عملیاتی

مأموریت اول: اگر ما بخواهیم به قدر ظرفیت با نزدیک به اندازه مورد نیاز ظرفیت، عناصر تبلیغی با این خصوصیات داشته باشیم، احتیاج داریم به کانون‌های عظیم حوزوی. در حوزه، کانون‌هایی باید به وجود بیاید فقط برای همین؛ برای تربیت مبلغ، و پشتوانه فکری و تحقیقی و علمی هم داشته باشد. یعنی این که می‌گوییم ما روی تبلیغ تکیه می‌کنیم، بهانه نشود که بعضی‌ها بگویند بنابراین دیگر کفایه نمی‌خوانیم، درس خارج نمی‌رویم؛ نه، این پشتیبانی‌های علمی لازم است، منتها توجه به این بخش قضیه خیلی ضروری است؛ احتیاج داریم به یک کانون اساسی. مرکز هم در درجه اول، حوزه علمیه قم است. وقتی در قم این کار انجام گرفت و تجربه‌ای شد، آن وقت در حوزه‌های بزرگ سراسر کشور هم این کار می‌تواند تکرار بشود؛ تشکیل کانونی با مأموریت اولاً «تهیه مواد تبلیغی به روز». یک چیزهایی هست که امروز مناسب است در منبر گفته بشود، فردا ممکن است از اثر بیفتد، بی‌فایده باشد، پارسال می‌گفتیم مناسب بود، امسال [نه]؛ یعنی دنیا این جوری دارد پیش می‌رود و حوادث، این جوری دارد پی‌درپی به وجود می‌آید. مواد تبلیغی لازم به روز تولید بشود. در این زمینه، منابع کتاب و سنت این قدر پُرعمق و پُر مغز است که هرگز تمام نخواهد شد. این قدر می‌توانید از قرآن استفاده کنید. مطلب جدید و نو، سخن نو و متکی به قرآن و حدیث می‌توانید به دست بیاورید که همه این صحنه را اشباع خواهد کرد.

مأموریت دوم: تنظیم شیوه‌های اثرگذار تبلیغی است. بالاخره شیوه‌های تبلیغی ما محدود است.

ای بسا شیوه‌های اثرگذار بهتری، بیشتری وجود داشته باشد؛ این شیوه‌ها در آن مرکز بایستی تنظیم بشود، تهیه بشود. در این قضیه غربی‌ها از ما جلویند؛ شیوه‌های نوبه‌نو، شیوه‌های اثربخش برای پیام‌ها دارند. ما در این زمینه‌ها عقبیم. شیوه‌هایی را بایستی حتماً تنظیم کنیم، تولید کنیم، فن بیان را به معنای واقعی کلمه تعلیم بدهیم.

مأموریت سوم: تربیت مبلغ. در این کانون به معنای واقعی کلمه مبلغ تربیت بشود. هم چنان که مجتهد تربیت می‌کنیم، مبلغ تربیت کنیم. خب حالا بحمدالله در قم آقایان مسئولان محترم یک حرکت جدید فقهی را شروع کردند، فقه معاصر را دارند تحقیق می‌کنند، مسائل موجود روز را از لحاظ فقهی دارند کار می‌کنند، بسیار باارزش است، باید هم ادامه پیدا کند. مثل همین باید مبلغ تربیت کنیم، مبلغینی که بتوانند اثرگذار باشند، بتوانند همه‌جا منتشر باشند و از لحاظ کمیت، کفایت کنند. یک جاهایی را، یک مراکزی را انسان سراغ دارد. یعنی بنده سراغ دارم. که این‌ها از بودن یک روحانی فعال بین مردم محروم‌اند؛ یکی دو جا [هم] نیست، خیلی زیاد است؛ مثلاً در مرکز کشور، من باب‌مثال در خود تهران، مواردی از این قبیل داریم. کمبود معلم، کمبود مبلغ، کمبود پیام‌رسان روحانی بایستی در این کانون جبران بشود. بنابراین آنچه حتماً باید دنبال بشود و جزو کارهای اساسی است و امروز که شما شروع کنید، ممکن است پنج سال دیگر یا بیشتر نتیجه بدهد، این است که یک چنین کانونی به وجود بیاید با این چند مأموریتی که گفته شد.



وحدت اسلامی در پازل نظم نوین جهانی

نگاه رهبر معظم انقلاب به موضوع وحدت اسلامی و نظم نوین جهانی

نیلوفر زیران پور | پژوهشگر

۱۱

نشریه محراب
شماره هشتم

یکی از دغدغه‌های مکاتب بشری و الهی، ایجاد «تمدن جهانی» مبتنی بر دیدگاه‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های مورد قبول آن مکاتب است. در مکتب کمونیسم، آرمان تشکیل تمدن نهایی بشر، براساس جامعه بی طبقه و فارغ از هرگونه تبعیض و مبتنی بر رفع سیطره سرمایه‌داری بود. مکتب لیبرالیسم نیز با بیان نظریه «جهانی شدن» در پی حاکمیت و سیطره بلامنازع تفکر، اندیشه، آرمان‌ها و دیدگاه‌های خود بر جهان بود. پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، درواقع شکست طرح سیطره بر جهان دو ابرقدرت آن روز بود و این انقلاب، داعیه‌دار دیدگاه جدید و نو در عرصه معادلات جهانی شد. انقلاب اسلامی که بر مبنای ایجاد تمدن نوین اسلامی به‌وقوع پیوست، با غایت تشکیل حکومت نوین اسلامی، شکل گرفته‌است.

است، اما می‌شود یک خطوطی را ترسیم کرد.^۲ درواقع از دیدگاه معظم له، نظم مستقر حاکم در حال اضمحلال و نظم جدید در حال استقرار است که بسیاری از مؤلفه‌های اسلامی را دارد.

نقش وحدت اسلامی در نظم نوین جهانی

یکی از وجوه در هیافت نظم نوین جهانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، وحدت اسلامی است. ایشان در پیام اخیرشان خطاب به حجاج بیت‌الله الحرام فرمودند: «وحدت و معنویت، ضامن ارتقای مادی و معنوی جهان اسلام و نورافشانی آن به همه گیتی است. وحدت به معنای ارتباط فکری و عملی است، به معنای نزدیک شدن دل‌ها و اندیشه‌ها و جهت‌گیری‌ها است، به معنای هم‌افزایی علمی و تجربی است، به معنای پیوند اقتصادی کشورهای اسلامی است، به معنای اعتماد و همکاری دولت‌های مسلمان است، به معنای همیاری در برابر دشمنان مسلم و مشترک است.»^۴

پس زمین پس، وحدت اسلامی باید مد نظر یکایک جامعه، به ویژه نخبگان، دولتمردان و عالمان دینی باشد؛ چراکه در آینده‌ای نه‌چندان دور برای بالا بردن پرچم اسلام در جهان به وحدت اسلامی نیازمندیم و برای ایستادگی در مقابل دشمنان اسلام نیاز داریم تا دست دیگر مسلمانان جهان را بفشاریم و اتحاد خود را به جهانیان نشان دهیم.

ایستادگی در مقابل توطئه‌ها با حسن‌ظن و مدارا

«وحدت بدین معنی است که نقشه طراحي شده

علائم زیادی وجود دارد که
نظم کنونی جهان دارد تغییر
پیدا می‌کند و نظم جدیدی
بر جهان حاکم خواهد شد.
نقش ما ایرانی‌ها، جایگاه ما
ایرانی‌ها در این نظم جدید
چیست؟ این یک سؤال
مهم است

در این راستا مقام معظم رهبری به ترسیم یک تمدن اسلامی آرمانی و مطلوب می‌پردازند و در این رابطه به «تمدن درخشان اسلامی» اشاره می‌کنند.^۱ آیت‌الله خامنه‌ای وجود یک تمدن نوین اسلامی آرمانی را مستلزم تلفیق یک سری مؤلفه‌ها می‌داند که در صورت محقق شدن تمدن نوین آرمانی شکل می‌گیرد. از نظر ایشان، تمدن نوین آرمانی، جامعه‌ای است که در آن، هم عزت، هم علم، هم پیشرفت، هم عدالت و توانایی مقابله با امواج جهانی و هم ثروت وجود دارد.^۲ ایشان می‌فرمایند: «علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا می‌کند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد. نقش ما ایرانی‌ها، جایگاه ما ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟ این یک سؤال مهم است. حالا این نظم جدیدی که بنده عرض می‌کنم که نظم کنونی به نظم جدید تغییر پیدا خواهد [کرد]، چیست؟ نمی‌شود دقیق گفت، نمی‌شود به دقت گفت که نظم این چنینی

وحدت همچنین بدین معنی است که پیشروان سیاسی و فرهنگی در کشورهای اسلامی، به‌گونه‌ای هماهنگ، خود را آماده شرایط نظم جهانی پیش‌رو کنند

هستند که با ایجاد شبهات در ذهن مسلمانان و با رفتارهایی ضد اسلام، چهره دین اسلام را در جهان خدشه‌دار کنند و میل به ارتباط با مسلمانان را از بین ببرند. حتی این شاخه‌های دینی با ساختن تصاویری کاذب از مسلمانان و سبک زندگی و تفکرشان، اختلافاتی ریشه‌دار میان پیروان این دین ایجاد می‌کنند. با این روش راه تعامل و ارتباط بین پیروان آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی بسته می‌شود و در مقابل، «نفرت و دوگانگی» بر دل‌ها سایه می‌اندازد. در این میان هوشیاری ملت‌های مسلمانان می‌تواند مانع پیشرفت دشمن شود. مسلمانان باید با حساسی از رفتار و کردار و گفتار خود، همواره به این پرسش پاسخ دهند که اقدام و عملشان در راستای افزایش وحدت مسلمانان است یا جرقه‌ای است برای روشن شدن کینه و دشمنی؟

امت مسلمان باید بر اراده خود تکیه بزند

«وحدت همچنین بدین معنی است که پیشروان سیاسی و فرهنگی در کشورهای اسلامی، به‌گونه‌ای هماهنگ، خود را آماده شرایط نظم جهانی پیش‌رو کنند؛ جایگاه شایسته امت اسلامی را در تجربه جدید جهان که سرشار از فرصت‌ها و تهدیدها است، به دست خود و به اراده خود تعیین کنند، نگذارند تجربه تلخ «مهندسی سیاسی و سرزمینی غرب آسیا به دست دولت‌های غربی پس از جنگ جهانی اول» تکرار شود.»^۶

برای درک این بخش از کلام رهبری، باید از مهندسی سیاسی در غرب آسیا، بیشتر دانست.

دشمن نتواند فرقه‌های اسلامی یا ملت‌ها و نژادها و زبان‌ها و فرهنگ‌های متنوع جهان اسلام را در برابر یکدیگر قرار دهد. وحدت بدین معنی است که ملت‌های مسلمان یکدیگر را، نه از راه معرفی فتنه‌انگیز دشمن، بلکه از راه ارتباط و گفتگو و رفت‌وآمد بشناسند؛ از امکانات و ظرفیت‌های یکدیگر آگاه شوند و برای بهره‌برداری از آن برنامه‌ریزی کنند. وحدت بدین معنی است که دانشمندان و دانشگاه‌های جهان اسلام دست‌در‌دست یکدیگر نهند، علمای مذاهب اسلامی با حسن‌ظن و مدارا و انصاف به یکدیگر بنگرند و سخنان یکدیگر را بشنوند، نخبگان در هر کشور و هر مذهب، آحاد مردم را با مشترکات یکدیگر آشنا و آنان را به هم‌زیستی و برادری تشویق کنند.»^۵

هرکس با کمی تأمل در وقایع نه‌چندان دور تاریخی می‌تواند رد پای توطئه‌های مستمر دشمنان برای جلوگیری از تبلور وحدت و هم‌افزایی جمعی در جهان اسلام را بیابد. دشمنان در پی ایجاد تفرقه میان امت مسلمان هستند و از طرق مختلف به این کار اقدام می‌کنند؛ گاهی با بزرگنمایی تعارضات موجود در منافع کشورهای اسلامی و گاهی با القای عدم اشتراک میان اهداف کشورهای مسلمان جهان. هر چند وقت یک بار نیز نام یکی از شاخه‌های انحرافی از اسلام به‌گوش می‌رسد که در ظاهر و لفظ اسلامی هستند و در باطن هیچ ارتباطی با این دین ندارند؛ از اسلام لیبرال بگیر تا اسلام آمریکایی و حکومت اسلامی عراق و شام. این شاخه‌های انحرافی که با حمایت‌های مالی دشمنان اسلام خلق می‌شوند، در پی این



آمریکا و دیگر قطب‌های سلطه استکباری، با وحدت مسلمانان، با تفاهم ملت‌ها و کشورها و دولت‌های مسلمان، و با تدبیر و تشرع نسل جوان این ملت‌ها به شدت مخالف‌اند

امت اسلامی می‌خواهد با حفظ وحدت، اجازه ندهند بیگانگان برای آنها تصمیم بگیرند و با نقاب انسان دوستی، سرمایه‌های مادی و معنوی مسلمانان را غارت کنند.

نظم جهانی بدون صهیونیست و آمریکا

«وحدت» و «معنویت» در این مقطع زمان بیش از گذشته در معرض دشمنی و کارشکنی استکبار و صهیونیسم است. آمریکا و دیگر قطب‌های سلطه استکباری، با وحدت مسلمانان، با تفاهم ملت‌ها و کشورها و دولت‌های مسلمان، و با تدبیر و تشرع نسل جوان این ملت‌ها به شدت مخالف‌اند و با هر وسیله بتوانند با آن مقابله می‌کنند. وظیفه همه ما و همه ملت‌ها و دولت‌های ما ایستادگی در برابر این نقشه خبثت‌آلود آمریکایی و صهیونیستی است.»^۶

از گذشته‌های دور تا به امروز، دشمنان ملت ایران به سرکردگی آمریکا بارها تفل‌کرده‌اند تا مانع شکل‌گیری نظم جدید جهانی شوند. دشمن ذیل این پروژه، به خیال خام براندازی، چندین آشوب و اغتشاش را در ایران تدارک دید؛ چراکه استکبار و صهیونیسم جهانی، طی دهه‌ها در صدد القای نوعی نگاه جبری نسبت به شکل‌گیری نظم نوین جهانی بوده‌اند؛ نظمی که مسلمانان نه تنها محکوم به پذیرش آن هستند، بلکه باید خود را برای ادغام فرهنگی و گفتمانی در آن آماده سازند! اما در سال‌های اخیر منطقه غرب آسیا شاهد تحولات زیادی بوده‌است که ایران در آن نقش داشته و مجموع این تحولات با اختلافی فاحش به نفع جبهه مقاومت و به ضرر آمریکا و

ماجرای این قرار بود که پس از جنگ جهانی اول، طی کنفرانسی توافق شد که قیمومیت فلسطین و بین‌النهرین، که امروز عراق خوانده می‌شود، به انگلستان واگذار شود و فرانسه قیمومیت سوریه و لبنان را برعهده گیرد. این کنفرانس که خارج از محدوده جامعه ملل و بین چند کشور فاتح برای تقسیم ماترک کشورهای شکست خورده تشکیل شده بود. اعتراض کشورهای دیگر را در پی داشت، ولی وزیر خارجه انگلیس در برابر این اعتراض‌ها پاسخ داد که این حق کشورهای فاتح است که تا حصول یک توافق بین‌المللی، در مورد اداره سرزمین‌های تحت اشغال خود تصمیم بگیرند. از طرفی صهیونیست‌ها که در تمام مدت جنگ جهانی اول با انگلیسی‌ها همکاری می‌کردند، پس از پایان جنگ، انگلستان را به عنوان قیم آینده فلسطین پیشنهاد کردند. به طور کلی جنگ جهانی اول پیامدهای گسترده‌ای در منطقه غرب آسیا داشت. انگلیس فاتح جنگ بود و گفتگوها برای دستیابی به توافق و تعیین حدود پس از جنگ، این فرصت را در اختیار انگلیس قرار داد تا حق تأسیس دولت را برای صهیونیست‌ها در فلسطین و با قیمومیت خود به رسمیت بشناسد. با توجه به این تحولات باید اذعان کرد که تمامی تغییرات به سود نفوذ انگلیس در منطقه غرب آسیا در حال رخ دادن بود. قرارداد ۱۹۱۹ و تلاش‌های جدی برای تصاحب نفت این منطقه به روشنی جایگاه انگلیس پس از جنگ جهانی اول و آغاز تلاش‌های دوباره آن برای نفوذ در این منطقه را نشان می‌دهد. حالا آیت‌الله خامنه‌ای با یک هشدار به جا، از



مؤسس منظمه‌ای محسوب می‌شود که بنابر وعده الهی و قرآنی، ستمگران عالم چاره‌ای جز پذیرش و تسلیم در برابر آن نخواهند داشت. در این جا، جهان اسلام بازیگر مؤثر و فعال است، نه بازیگر تابع و منفعل، مشروط بر این‌که جوامع مسلمان متوجه اهمیت و نقش «وحدت جهان اسلام» به عنوان پیش شرط «شکل‌گیری نظم نوین جهانی» باشند.

اسرائیل بوده است؛ از شکستن کمر داعش، که سربازان نیابتی آمریکا و اسرائیل در عراق و سوریه بودند، تا شکست پروژه آمریکا در یمن و از بحران روزافزون در سرزمین‌های اشغالی فلسطین تا خروج مفتضحانه آمریکا از افغانستان. در اروپا نیز تحولات زیادی رخ داده است که مهم‌ترین آن جنگ اوکراین بوده است. پس بی‌تردید امروزه با ایستادگی در برابر استکبار جهانی و صهیونیسم و خنثی کردن نقشه آنان برای مهندسی آینده‌ای عاری از معنویت برای جهانیان، بر دانشمندان و نخبگان جوامع اسلامی واجب است تا در نظم جهانی نوین آمریکا و صهیونیسم جایی نداشته باشند.

در نگاه مقام معظم رهبری، در نظم جهانی جدید، جهان اسلام تابعی از نظام جهانی استکباری - صهیونیستی نیست و بالعکس، خود مولد و

پی‌نوشت:

- (۱) بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۹/۲.
- (۲) بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰.
- (۳) بیانات در دیدار دانش‌آموزان، ۱۴۰۱/۸/۱۱.
- (۴) پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۴۰۲/۴/۶.
- (۵) همان.
- (۶) همان.
- (۷) همان.

بیش از هزار سال است که درباره واقعه کربلا می‌نویسند و می‌گویند و تحقیق می‌کنند؛ اما همچنان قطره‌ای از دریای درس‌آموز این واقعه هم منعکس نشده است. کربلا را می‌توان از نگاه قرآن نگریست، با نگاه مثبت‌اندیشان نواندیش صفات انسانی‌اش را مرور کرد، نگاه مردم به کربلا و سنتهای عرفی‌اش را مورد نقد و نظر قرار داد و به حساسیت نقل از کتب مقتل توجه نمود و ... در این پرونده دوباره قدری کربلا را مرور می‌کنیم.

پرونده

عاشورا



عاشورا، الگوی مؤلفه‌های
مثبت‌اندیشی



قیام عاشورا،
مبانی و اهداف قرآنی



مردم‌شناسی و کارکردهای
واقعه کربلا



در نقل مقتل‌ها
حساسیت ایجاد نشود



جرعه‌ای از حوض کوثر



نافذ البصیره



کتاب‌های عاشورایی
و روضه‌های عاشورایی



معرفی کتاب



... مسیر زینب علیها السلام



مردم‌شناسی و کارکردهای واقعۀ کربلا

بررسی مثبت و منفی کارکردهای مردمی واقعۀ کربلا

محمدحسین شیخ‌شعاعی | طلبۀ سطح سه، دکتری عرفان

مراسم عاشورا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و فراگیرترین مناسک دینی از منظر جامعه‌شناسی دین، دارای کارکردهای مثبت اجتماعی و نیز برخی آسیب‌های اجتماعی است. تعمق در این موارد، به درک بهتر جایگاه این پدیده و شناخت مسائل پیش‌روی آن، یاری خواهد رساند.

۱۸

نشریه محراب
شماره هشتم



کارکردهای مثبت

نگاه جامعه‌شناسانه به مراسم دینی، کارکردهای متعدد اجتماعی را برای ما آشکار می‌سازد که در رواج و تثبیت این مراسم نقش جدی داشته‌اند. دربارهٔ مراسم عاشورا، این کارکردها که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود، به فراوانی و به روشنی قابل دریافت‌اند.

۱) انسجام اجتماعی

مراسم عاشورا، افرادی را با تفاوت‌های متعدد به هم پیوند می‌زند و در یک اجتماع منسجم، گرد هم می‌آورد؛ اجتماعی که وظایف هرکدام از افراد در آن تعریف شده‌است و چنان‌که مثلاً در هیئت‌های مذهبی شاهدیم، تقسیم کارها، به این انسجام و هم‌گرایی کمک کرده‌است.

۲) تجدید حیات اجتماعی

برگزاری مراسم جمعی مثل عزاداری، سینه‌زنی و زنجیرزنی، تعزیه و شبیه‌خوانی، موجب نشاط اجتماعی است و به‌ویژه حیات فکری و معنوی کنش‌گران را در روحیهٔ ایثار و آزادگی و مانند آن، تقویت می‌کند. نمونه‌ای از این تجدید حیات را که متأثر از واقعهٔ عاشورا و سلحشوری قهرمانان آن بوده‌است، می‌توان در صحنه‌هایی مثل جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و به‌ویژه هشت سال دفاع مقدس مشاهده نمود.

۳) جامعه‌پذیری

شرکت‌کنندگان در مراسم عاشورا، نوعی از جامعه‌پذیری دینی را تجربه می‌کنند، به این صورت که گرایش‌ها و اندیشه‌ها، انگاره‌ها و رفتارهای خود را از طریق تماس با محافل دینی، با جامعه دینی منطبق می‌سازند. این انطباق‌پذیری، در لباس افراد و تزیینات اماکن مختلف به‌وسیلهٔ نمادهای پذیرفته‌شده مثل رنگ سیاه در ایام محرم، کاملاً نمایان است.

۴) پیوند نسل‌ها

مراسم عاشورا، به‌طور طبیعی ارتباطی متعالی و هدف‌مند بین افرادی از نسل‌های مختلف رقم می‌زند. این یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع مراسم است که در آن، از یک نوزاد چندروزه در بغل مادرش تا کهنسال‌ترین افراد، مشارکت دارند و نزدیکی و سازگاری بین خود را در جهت اهداف زیبایی که دارند، تمرین می‌کنند.

۴) هنجارمندی اجتماعی

رعایت هنجارهای اجتماعی، گاهی با «فشار بیرونی» و کنترل اجتماعی اعمال می‌شود، اما عمیق‌تر از آن وقتی است که از طریق درونی‌سازی ارزش‌ها صورت می‌گیرد و با اقناع فرد نسبت به یک جهان‌بینی و اعتقاد خاص، او را به رعایت هنجارهای اجتماعی متقاعد می‌سازد. مراسم عاشورا، با تعمیق و تحکیم



آسیب‌شناسی مراسم عاشورا

شناخت پیامدهای منفی‌ای که پیرامون عاشورا به عنوان یک ساخت اجتماعی و کنش مذهبی امکان بروز دارند، نقطه اصلی تأکید در این نوشتار است که البته بر نتایج تأثیرات مراسم عاشورا متمرکز است و به واقعه عاشورا و زمینه‌ها و اهداف آن حرکت مقدس، ارتباطی ندارد. برخی از آسیب‌ها را به صورت موارد پراکنده و برخی دیگر را ذیل تئوری‌های توضیح‌دهنده بررسی می‌کنیم.

الف. برخی از آسیب‌های اجتماعی

در میان آسیب‌های متعددی که برای مراسم عاشورا می‌توان برشمرد، چهار مورد از آسیب‌هایی را که با نگاه جامعه‌شناسانه قابل بررسی‌اند، بیان می‌کنیم.

مراجعه نکردن مبلغان به شهر خود

یکی از مشهورترین آیاتی که به وظیفه خطیر فهم و تبلیغ دین اشاره دارد^۱ شامل نکته مهم دیگری نیز هست؛ اگر کسانی برای تفقه در دین حرکت می‌کنند، بایستی میان قوم خود برگردند تا ایشان را آگاه سازند.

آموزه‌های دینی و ارزش‌های والای انسانی که در عاشورا جلوه‌گر بود، مساعدترین زمینه را برای شکوفایی اخلاق اجتماعی فراهم می‌کند.

۵) الگوپذیری

بازخوانی شخصیت‌های عاشورا و تکرار فضایل ایشان در ایام عزاداری، الگوهای زنده‌ای را پیش چشم مشارکت‌کنندگان در مراسم عاشورا جلوه‌گر می‌سازد. این الگوها در همه سنین و در زن و مرد حضور دارند و تک‌تک رفتارها و سخنان ایشان می‌تواند مایه الگوپذیری و ارتقای اخلاقی عزاداران شود.

۶) پیش‌گیری از جرایم اجتماعی

کم‌رنگ شدن و حذف فاصله‌های اجتماعی، بازیابی هویت دینی، تقویت شاخصه‌های اخلاقی، امید به آینده و احساس فایده‌مندی و حضور مؤثر اجتماعی، که همگی در جریان برگزاری مراسم عزاداری محرم رخ می‌دهند، باعث می‌شود انگیزه‌ها و زمینه‌های بزهکاری به‌ویژه میل به رفتارهای ظالمانه، کاهش یابد.

ارزیابی دقیق و واقعی از کمیت و کیفیت برنامه‌های عاشورا، برای استفاده از تجربه‌ها، بهره بیشتر از امکانات، پیش‌بینی نیازهای آینده و جلوگیری از اشتباهات، به‌ویژه اشتباهات تکراری، ضرورت دارد



جلوگیری می‌کند. به‌ویژه حضور افرادی از سنین و اقشار مختلف، به گستردگی و عمق تأثیرات این مراسم کمک می‌کند.

رها شدن مراسم در طول سال

اگرچه توجه به عزاداری نباید صورت افراطی به خود بگیرد، اما محدود شدن فعالیت هیئت‌ها به مراسم عاشورا و ایام محرم، از کارایی آنها می‌کاهد. برنامه‌های دوره‌ای در طول سال، ایده مناسبی برای تحکیم پیوند افراد در باقی روزهای سال با آموزه‌ها و شعائر عاشورایی است.

ب. گسیختگی بین وسیله و هدف

قواعد جمعی و راه‌های نهادینه و مشروع رسیدن به اهداف، ساختارهای اجتماعی را برای تعامل و هماهنگی افراد با یکدیگر و با محیط فراهم می‌کنند. به این ترتیب، عدم هماهنگی و توازن ساختاری و کارکردی، ضمن تهدید و تضعیف انسجام، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آسیب‌ها را مهیا می‌کنند.

به زبان دیگر، باورها به‌عنوان ساختارهای فرهنگی و اهداف نهایی، در یک مراسم مذهبی به‌عنوان ساختی اجتماعی با کارکردی وسیله‌ای تحقق می‌یابند و دنبال می‌شوند. فاصله افتادن بین این باورها (یعنی اهداف) و محل تحقق آنها (یعنی رفتارهای بیرونی) به‌عنوان وسیله، باعث اختلال در کارکرد مراسم خواهد شد. نظریه‌های زیر، نمونه‌هایی از این اختلال را توضیح می‌دهند.

انتقال پیام، بدون شناخت مناسب از محیط اجتماعی و مخاطبان، به‌درستی انجام نمی‌شود. به‌لحاظ مردم‌شناسی، هرچه اطلاعات ما از محیط جامع‌تر و کامل‌تر باشد، درک بهتری از مسائل و مشکلات افراد و اقتضائات محیط خواهیم داشت، درحالی‌که قشری‌گری و عامیانه‌پنداشتن همه روابط، باعث می‌شود برنامه‌های عزاداری و گفت‌وگو درباره عاشورا از محتوایی که برای مخاطب راهگشا و کارساز باشد، تهی شوند.

عدم ارزیابی کیفیت مراسم

ارزیابی دقیق و واقعی از کمیت و کیفیت برنامه‌های عاشورا، برای استفاده از تجربه‌ها، بهره بیشتر از امکانات، پیش‌بینی نیازهای آینده و جلوگیری از اشتباهات، به‌ویژه اشتباهات تکراری، ضرورت دارد. اگر وضعیت هیئت‌های مذهبی، به‌طور منظم از سوی دلسوزان این عرصه و نیز از سوی مسئولان و دست‌اندرکاران خود هیئت‌ها، مورد ارزیابی قرار نگیرد، ممکن است رویکردهای ناشایست به‌تدریج و از یک انحراف کوچک شکل بگیرند و هویت اصیل مراسم عاشورایی را خدشه‌دار سازند؛ چنان‌که گاه مشاهده می‌شود که دسته‌های عزاداری به کارناوال‌های شادی با رفتارهای هنجارشکنانه شبیه می‌شود.

عدم مشارکت همه اقشار و گروه‌های سنی

حضور هر ساله عده‌ای ثابت، که مسئولیت برگزاری مراسم و انجام امور عزاداری را برعهده دارند، شاید به نظر کارها را روان‌تر و مطمئن‌تر پیش ببرد، اما حتماً از پویایی مدیریت و رشد نیروهای تازه



عدم پذیرش شکل‌های رایج در برگزاری مراسم و شیوه‌های مرسوم عزاداری، به هر دلیل که اتفاق افتاده باشد، عده‌ای را به ابداع روش‌های تازه سوق می‌دهد

مناسک‌گرایی

آیا مراسم عاشورا به این شکل و حجمی که اکنون برگزار می‌شود، کاملاً در خدمت آرمان‌های عاشورا است؟ آیا این مناسک با این تنوع و تعدد بی‌نظیر، هنوز صرفاً کارکردی وسیله‌ای دارد و برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در آنها با همین دید به آن نگاه می‌کنند و در این مراسم (ساخت) به دنبال اهداف و باورهای اصیل آن هستند؟ به مقداری که این فاصله وجود دارد باید آن را یک آسیب دانست.

بدعت‌گذاری

عدم پذیرش شکل‌های رایج در برگزاری مراسم و شیوه‌های مرسوم عزاداری، به هر دلیل که اتفاق افتاده باشد، عده‌ای را به ابداع روش‌های تازه سوق می‌دهد. نوآوری به خودی خود بد نیست، اما در مورد یک رفتار دینی که باید متکی به تأیید شارع باشد، با حساسیت فوق‌العاده‌ای همراه است. استفاده از موسیقی‌های خاص و سبک‌هایی که سنخیتی با فضای معنوی و آموزه‌های دینی ندارند و رفتارهایی مثل قمه‌زنی، نمونه‌هایی از این نوع آسیب به‌شمار می‌روند.

واپس‌گرایی

واپس‌گرایی شاید گسترده‌تری داشته باشد، اما آسیب کوچک‌تری نیست؛ به‌ویژه از این جهت که در آن، هم باورها و اهداف رنگ می‌بازند و هم مناسک و وسیله‌ها.

اگرچه در اسلام هیچ دستور قطعی و همه‌جانبه درباره سبک عزاداری وجود ندارد، اما با توجه

به اصول اعتقادی، اخلاقی و فقهی، می‌توان چارچوب‌هایی را ترسیم و در آن شیوه‌های مختلفی را برای عزاداری و بزرگداشت عاشورا برگزید. لذا نقد واپس‌گرایان از این جهت پذیرفته نیست.

نکته دیگر این است که مناسکی چون مراسم عاشورا، در حقیقت مسیرهایی برای ظهور و بروز احساسات معنوی در مردم است و اگر نقدی بر هرکدام از این مناسک وجود دارد، مثلاً گاهی با حقوق دیگران و آرامش عمومی تنافی می‌یابد، باید جایگزین مناسبی برای اصلاح روش و ادامه این کارکرد نیز پیشنهاد شود.

این مطلب نیز قابل توجه است که در دیدگاه برخی از منتقدین، دین به‌لحاظ جامعه‌شناختی، کارکرد نمادین دارد، اما هم‌ایشان این حق را که مردم از کارکرد نمادین مناسکی مثل مراسم عاشورا بهره ببرند، برنمی‌تابند، درحالی‌که مناسک دینی برای مردم علاوه بر این، هویت فردی و اجتماعی ایشان را رقم می‌زند و نمی‌توان آن را از مردم گرفت.

بر همین اساس، نه فقط نخبگان فرهنگی، بلکه حکومت نیز باید در رویکرد اصلاحی خود، حساسیت‌های موضوع را در نظر بگیرد و به‌عنوان مثال در موارد آسیب‌زا، به‌خصوص وقتی در میان توده‌های مردم و خودجوش شکل گرفته‌اند، تا حدّ ممکن از برخورد پلیسی و حتی امر و نهی صرف، پرهیز کنند.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) سوره مبارکه توبه، آیه ۱۲۳.

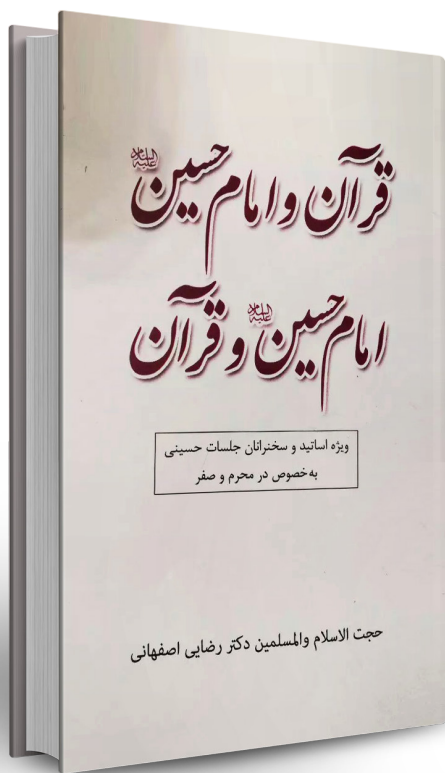
قیام عاشورا، مبانی و اهداف قرآنی

بررسی مبانی و اهداف قرآنی

قیام امام حسین علیه السلام

در گفتگو با دکتر رضایی اصفهانی

مهدی منتظری | پژوهشگر



با بررسی سخنان و رفتار امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا و تحلیل آموزه‌های آنها روشن می‌شود که نهضت امام حسین علیه السلام در عاشورا براساس دستورات اساسی قرآن استوار است. نشریه محراب در بازشناخت این مفاهیم، گفتگوی کوتاهی با حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی مفسر قرآن، استاد تمام جامعه المصطفی العالمیه، مدیر انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه قم و نویسنده کتاب قرآن و امام حسین علیه السلام، امام حسین علیه السلام و قرآن داشته است که تقدیم حضور آئمه جماعات محترم می‌شود.

۲۳

نشریه محراب

شماره هشتم

در نتیجه استنباط مبانی قرآنی از نهضت عاشورا با استفاده از

قواعد و روش های تفسیری قرآن مثل قاعده جری و حجیت ظواهر قرآن و روش تفسیر روایی و اشاری (باطنی) در تفسیر است.

به عنوان سؤال اول بفرمایید که مقصود از مبانی قرآنی نهضت عاشورا چیست؟

ببینید، مقصود پیش فرض های پذیرفته شده از آموزه های قرآنی است که زیربنای قیام امام حسین (علیه السلام) می باشد و به عبارت دیگر مستندات قرآنی نهضت عاشورا است. این مبانی شامل دستورات اجتماعی و سیاسی مستقیم الهی در قرآن به همه مسلمانان و نیز آموزه های قرآنی غیرمستقیم است که با استفاده از قاعده جری و تطبیق و بطون قرآن قابل استنباط از سخنان و سیره امام حسین (علیه السلام) است. پس در نتیجه استنباط مبانی قرآنی از نهضت عاشورا با استفاده از قواعد و روش های تفسیری قرآن مثل قاعده جری و حجیت ظواهر قرآن و روش تفسیر روایی و اشاری (باطنی) در تفسیر است.

از چه منابعی جهت استنباط مبانی قرآنی نهضت عاشورا می توان استفاده کرد؟

ما این منابع را به سه دسته تقسیم می کنیم:

- ۱) سخنان امام حسین (علیه السلام)؛
- ۲) نامه های امام حسین (علیه السلام)؛
- ۳) رفتار امام حسین (علیه السلام) (سیره). در واقع منابع استنباطی ما از درون نهضت و مستند به رهبر قیام است.

به مهم ترین مبانی قیام بپردازیم. به نظر شما اولین مبانی قرآنی نهضت عاشورا کدام است؟

حکایت شده که امام حسین (علیه السلام) در راه کربلا در منزل صفاح با فرزدق سخن گفت و هدف

نهایی خود را بلند کردن نام خدا معرفی کرد و فرمود: «وَأَنَا أُولَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ؛ وَ مِنْ (حسین) با کفایت ترین فرد برای یاری دین خدا هستم. وَ إِغْرَازَ شَرْعِهِ؛ و این که شریعت او را عزیز کنم. وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ؛ و در راه خدا جهاد کنم. لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا؛ تا نام خدا بلند (و) پرآوازه) باشد.»^۱ این مطلب امام حسین (علیه السلام) که اساسی ترین مبانی قیام عاشورا را بیان می کند، مبتنی بر آیه قرآن است که می فرماید: «وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا؛ و تنها گفتار (و برنامه) خدا والا است.»^۲ مقصود از «کلمه» در آیه می تواند برنامه، مکتب، هدف، گفتار و سنت و اراده الهی باشد که از برنامه و مکتب کافران برتر است.

یاری دین خدا همان یاری خداوند است یا مبانی جدایی است؟

ببینید، اصولاً روح کلی قرآن به یاری دین الهی یعنی اسلام است. خداوند می فرماید: «وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ؛ تا این که هجرت کنند و اگر در مورد دین (خود) از شما یاری طلبیدند، پس بر شما یاری (آنان واجب است).» حتی قرآن کریم از مردم می خواهد که برای دفع فتنه و حاکمیت دین بجنگند: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ؛ و با آنها پیکار کنید تا آشوبگری باقی نماند و دین فقط برای خدا باشد.»^۳ امام حسین (علیه السلام) دین خدا را یاری کرد و خدای متعال نیز نهضت او را یاری کرد. نقل شده هنگامی که مروان در مدینه، امام حسین (علیه السلام) را به بیعت با یزید فراخواند، حضرت امام حسین (علیه السلام) فرمود: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِيَتْ الْأَمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدَ؛



تا آن جاکه می‌توانم جز اصلاح نمی‌خواهم.^۵ شعیب پیامبر در این سخنان می‌خواهد بیان کند که انگیزه او معنوی، انسانی، تربیتی و اصلاح طلبی است و خدا برای او حقایقی را بیان کرده که دیگران نمی‌دانند. اصلاح در اصل به معنای سلامت از فساد و تباهی است. طبق کتاب‌های المفردات فی غریب القرآن والتحقیق فی کلمات القرآن الکریم این واژه شامل اصلاح جسم، عقیده و عمل می‌شود. از این رو می‌توان گفت که اصلاح در این آیه شامل تمام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، نظامی، فکری، اخلاقی، فرهنگی و اعمال فردی می‌شود.

اگر امت اسلامی رهبری مثل یزید پیدا کند، پایان کار اسلام است.^۶ این سخنان به فساد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراگیر در جامعه اشاره دارد. در این شرایط بود که اصل اسلام به خطر افتاد و در نتیجه جهاد برای حفظ اسلام واجب شد. این سخنان به مبنای قرآنی جهاد در راه خدا اشاره دارد.

سؤالی که پیش می‌آید این است که از نظر قرآن، بعد از قیام و جنگ، هدف باید چه باشد و امام حسین (ع) چه رویکردی داشتند؟

حکایت شده امام حسین (ع) وصیت‌نامه‌ای نوشت و در مدینه به برادر خویش محمد بن حنفیه سپرد. در این وصیت‌نامه اهداف قیام آن حضرت این‌گونه بیان شده است: من برای طغیان، فساد و ظلم قیام نکردم و فقط برای اصلاح امت جدّم قیام کردم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر بنمایم و به روش پیامبر ﷺ و علی (ع) عمل کنم. یکی از اهداف قیام، اصلاح امت بود. قرآن از قول حضرت شعیب می‌فرماید: «إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ؛

طبق آنچه فرمودید، اصلاح طلبی چندساحتی است. پس طبق قاعده برای قیام در جهت اصلاح، نیاز به یک انسان چندساحتی داریم؟

بله، طبق آنچه از منابع شیعی داریم اصلاح طلبی چند شرط دارد: اول، رعایت توانایی اصلاح‌گر و قدرت تغییر شرایط؛ دوم، توکل بر خدا و درخواست توفیق از او؛ سوم، عمل کردن اصلاح طلبان بر طبق اصلاحاتشان.



شما براساس واقعه عاشورا چگونه مبنای امر به معروف و نهی از منکر را با توجه به قرآن تبیین می کنید؟

امام حسین (علیه السلام) در وصیت نامه اش یکی از اهداف نهضت خویش را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند. امر به معروف، پاسداشت نیکی های جامعه و نهی از منکر، وسیله پالایش مستمر جامعه از پلیدی هاست. قرآن می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱ و باید از میان شما گروهی (مردم را) به سوی نیکی دعوت کنند و به (کار) پسندیده فرمان دهند و از کار ناپسند منع کنند. و تنها آنان رستگارند.

در فقه اسلامی برای انجام امر به معروف و نهی از منکر مراحل برشمرده اند که عبارتند از: انکار قلبی؛ انکار با زبان؛ اقدام عملی؛ اقدام به زدن یا کشتن (جنگ)، که این آخرین مرحله امر به معروف است و وقتی اجرا می شود که مراحل قبلی اثر نکند. قیام امام حسین (علیه السلام) نیز بر همین پایه و اساس بود؛ یعنی درحقیقت یک برنامه سیاسی و عملی مبارزه با طاغوت را در چهارچوب نهی از منکر ارائه کرد و همان طور که در مراحل مبارزه بیان کردیم، نخست کارگزاران حکومت را نصیحت کرد، سپس اقدام به قیام نمود و همه این ها در چهارچوب نهی از منکر بود.

اگر امام حسین این قیام را انجام نمی دادند و به نصیحت اکتفا می کردند، آیا اصل اصول امامت مورد خدشه قرار می گرفت؟

امام حسین (علیه السلام) در وصیت نامه خویش مردم را

به سوی سنت پیامبر فرامی خواند. یکی از اهداف امامت، جاری سازی سنت پیامبر خاتم است. سنت پیامبر در کنار قرآن، راهنمای مسلمانان است و همان طور که کلیات دین از قرآن اخذ می شود، جزئیات اسلام نیز از سنت به دست می آید و سخنان و عمل پیامبر، تفسیر قرآن است. در قرآن آمده: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و نوشته های متین (فرستادیم) و آگاه کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی تا شاید آنان تفکر کنند.^۲ بر همه مسلمانان لازم است که از سنت پیامبر پیروی کنند و دیگران را به آن فراخوانند و از آن دفاع کنند. خداوند می فرماید: خدا و فرستاده اش را اطاعت کنید. و در آیه ۳۶ احزاب می فرماید: و هیچ حقی برای مرد بالیمان و زن بالیمان نیست که هنگامی که خدا و فرستاده اش (حکم) چیزی را تمام کنند، در کارشان اختیاری داشته باشند. و هرکس خدا و فرستاده اش را نافرمانی نماید، پس حتماً به گمراهی آشکاری گمراه شده است. امام حسین برای احیای سنت قیام کرد، چراکه دستورات پیامبر کنار زده شده بود و بدعت ها هویدا گشته بود.

حضرت قیام را از چه زمانی شروع کردند؟

هنگامی که حاکم مدینه طبق دستور یزید تصمیم می گیرد که امام حسین (علیه السلام) را شهید کند، حضرت شبانه از مدینه خارج می شود. این حرکت امام براساس آیات قرآن بود، چراکه بر کسانی که در سرزمین خود با مشکل روبرو می شوند و نمی توانند وظایف دینی خود را انجام دهند و یا مثل پیامبر در مکه با خطر جانی روبرو می شوند، لازم است

آزادی در نهضت عاشورا به معنای وارستگی اخلاقی است که شامل آزادگی به معنای تن به ذلت ندادن و نیز کرامت نفس و بزرگ منشی و جوانمردی می شود.

نوعی پیروی از قرآن و پیامبر است، چون رسم آزادسازی مردم یکی از رسالت های پیامبر است که قرآن به آن اشاره کرده است؛ رسالت پیامبر اسلام را برداشتن غل و زنجیرها از دست و پای مردم و آزاد کردن آنها از عقاید باطل و اعمال خرافی و ستم و ... معرفی می کند. در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می فرماید: هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان و اوصاف)، او را نگاشته می یابند که آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می گرداند و احکام پُررنج و مشقتی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده اند از آنان برمی دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می آورد). پس آنان که به او گرویدند و حرمت و عزت او را نگاه داشتند و او را یاری کردند و نوری را که به او نازل شد، پیروی نمودند، آن گروه به حقیقت رستگاران عالم اند. در سوره طه و شعرا نیز رسالت حضرت موسی را هنگام مقابله با فرعون، آزادسازی مردم از بندگی و نجات آنان معرفی می کند.

پی نوشت ها:

- (۱) تذکرة الخواص، ص ۲۱۷ - ۲۱۸؛ عیان الشیعة، ج ۱، ص ۵۹۴.
- (۲) سوره مبارکه توبه، آیه ۴۰.
- (۳) سوره مبارکه بقره، آیه ۱۹۳.
- (۴) موسوعة کلمات الامام الحسن علیه السلام، ۲۸۵، ح ۲۵۲.
- (۵) سوره مبارکه هود، آیه ۸۸.
- (۶) سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۴.
- (۷) سوره مبارکه نحل، آیه ۴۴.
- (۸) سوره مبارکه نساء، آیه ۹۷.
- (۹) بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۵، ص ۵۱.

که هجرت کنند. قرآن در این زمینه می فرماید: فرشتگان گفتند: آیا زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟! پس آنان مقصدشان جهنم است، و بدفرجامی است.^۸ سپس در آیه ۵۸ سوره حج یادآوری می کند که این افراد اگر در راه هجرت خویش کشته شوند، پاداش آنها برعهده خداست و مهاجران پاداش بزرگی دارند.

به عنوان سؤال آخر بفرمایید واژه آزادگی بستر واقعۀ کربلا چگونه تفسیر می شود؟

آزادی از محبوب ترین کلماتی است که در تاریخ بشر به وجود آمده است. اما این واژه دارای معانی متفاوتی است از جمله به معنای استقلال (آزادی فلسفی)، اختیار، آزادی در حوزه تربیت، آزادی حقوقی در حوزه فلسفه حقوق، آزادی در برابر بردگی در حقوق مدنی و بین المللی و آزادی به معنای وارستگی اخلاقی می آید. آزادی در نهضت عاشورا به معنای وارستگی اخلاقی است که شامل آزادگی به معنای تن به ذلت ندادن و نیز کرامت نفس و بزرگ منشی و جوانمردی می شود. از امام حسین علیه السلام نقل شده که به دشمنان خویش می فرماید: اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، پس حداقل در دنیا آزاده باشید و اگر عرب هستید، به رسم و عادت نیاکان خود عمل کنید.^۹ امام در راه مکه به کوفه، چندین بار بیعت خود را از اصحاب و یاران برداشت و آنان را آزاد گذارد و حتی به آنها اعلام کرد که هرکس با ما بماند، شهید می شود و امام می خواست هرکس همراه حسین علیه السلام است، آگاهانه و از روی رضایت و احساس وظیفه و عشق بماند. این شیوه در آزادی و آزادسازی مردم،



عاشورا، الگوی مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی

بررسی واقعه کربلا با استفاده
از روان‌شناسی مثبت‌گرا

حجت الاسلام محمد قاسم سبزی پیری
دانش‌آموخته حوزه علمیه و ارشد مشاوره



در دهه اخیر روان‌شناسان مثبت‌گرا بیشتر بر توانمندی‌ها، شایستگی‌ها و داشته‌های انسان تأکید می‌کنند و بر این باورند که هدف روان‌شناس، بهبود و ارتقای سطح زندگی انسان و به‌ظهور رساندن استعدادها و توانمندی‌های به‌ودیعۀ نهاده در درون او است. واقعه کربلا نمایشگاهی از گزاره‌های بینشی و رفتاری کارآمد و به‌روز می‌باشد که می‌تواند انسانی آزاد و آزاده بر مبنای استعدادها و عقاید الهی را پرورش دهد. از این رو اندیشمندان و محققان ادیان دیگر نیز نسبت به تحلیل و تفسیر واقعه کربلا و نسبت آن با زندگی امروز تلاش کرده‌اند.

نتایج نشان می‌دهد اگرچه فعالیت‌های خوبی در روان‌شناسی مثبت‌نگر صورت پذیرفته‌است، ولی آموزه‌های قیام عاشورا به‌علت توجه به همه ابعاد انسان و ارتباط او با دیگر عوامل، الگوی جامع‌تری از مؤلفه‌های مثبت‌نگر ارائه داده‌است و از مبنای ماتریالیستی فرسنگ‌ها فاصله دارد. در ادامه برخی از گزاره‌های مثبت‌اندیشی را با استفاده از واقعه کربلا طبق دسته‌بندی پترسون و سلیگمن نسبت به استعدادها و توانمندی‌های ذاتی انسان مورد بررسی قرار می‌دهیم:

دومین اقدام مناسب، تعیین راهبردهای دفاعی است. امام حسین علیه السلام در این خصوص اقدام به کندن خندق و شعله‌ور ساختن آتش پشت خیمه‌ها کرد تا از نفوذ دشمن و شبیخون آنان از پشت سر جلوگیری کند.

بارش پتیر از آسمان

خردمندی و حکمت

الف) خلاقیت (تازگی و نبوغ):

امام حسین علیه السلام به دلیل عدم امکان اختیار مکان مناسب جهت دفاع از خود و عدم توازن تعداد نفرات جنگی بین دو طرف، باید برای مقابله با حملات ناگهانی و ترورگونه دشمنان، برنامه‌ریزی دقیق انجام می‌داد.

- نخستین اقدام سیدالشهدا در جریان ورود به سرزمین کربلا؛ با انتخاب هوشمندانه توانست محل درگیری‌ها را بین تل زنبیه و نهر علقمه محدود کند، زیرا عدم محدودیت زمین با توجه به تعداد غیرقابل قیاس نفرات جنگی به سود بنی‌امیه تمام می‌شد.

- دومین اقدام مناسب، تعیین راهبردهای دفاعی است. امام حسین علیه السلام در این خصوص اقدام به کندن خندق و شعله‌ور ساختن آتش پشت خیمه‌ها کرد تا از نفوذ دشمن و شبیخون آنان از پشت سر جلوگیری کند.^۱

ب) فرزاندگی (خردمندی):

امام حسین با ذکاوت و خردمندی، مسیر رویارویی در میدان جنگ و کاخ یزید را به نفع اسلام تغییر می‌دادند.

در جنگ‌های عرب رسم بر این است که اگر فردی زره بپوشد و با اسب وارد میدان شود یعنی قصد جنگ دارد ولی اگر عمامه داشته باشد و با قبا بیاید یعنی نمی‌خواهد جنگ کند. صبح روز عاشورا، حضرت اباعبدالله عمامه بر سر و قبا پوشیده، سوار

بر شتر می‌شوند و دشمن را نصیحت می‌کنند؛ یعنی من با شما جنگ ندارم. برای یزید و عبیدالله بن زیاد این حالت بسیار سخت است، چون نمی‌دانند چه عکس‌العملی در برابر امام داشته باشند که بازخورد اجتماعی و حکومتی منفی نداشته باشد.^۲

خطبه‌های غزاء و آتشین حضرت زینب که در کاخ یزید و عبیدالله یا بین مردم کوفه و شام ایراد کرد، نشان از خردمندی حضرت است.

از کارهای مدبرانه و عاقلانه حضرت زینب این بود که در حین کوچ دادن اسیران به شام، دستور داد محمل‌ها را سیاه پوش کنند.

شجاعت

از جمله اموال و غنایمی که از امام حسین و اهل بیت گرمی‌اش به غارت برده شده بود، پرچم عباس بود. وقتی این اموال را به شام بردند، یزید بهت‌زده و متعجب به پرچم نگاه کرد و در فکر فرو رفت. اطرافیان پرسیدند: ای امیر! چرا این‌گونه شگفت‌زده و مبهوت شده‌ای؟ یزید پاسخ داد: این پرچم در کربلا دست چه کسی بوده است؟ گفتند: دست برادر حسین، عباس بن علی بوده است. یزید گفت: شگفتا از شجاعت عجیب این پرچمدار! پرسیدند: چطور؟ یزید گفت: خوب به پرچم بنگرید، تمام پارچه و چوب آن بر اثر تیرها و نیزه‌ها آسیب دیده، جز دسته آن، و این موضوع حاکی از این است که تیرها به دست پرچمدار اصابت می‌کرده ولی او پرچم را نگه داشته است و وقتی که پرچم از دستش افتاده، دسته پرچم سالم مانده است.^۳



نشاط و سرزندگی (شادابی، شوق، انرژی):

در روایت آمده که بربر با عبدالرحمن عبدربه انصاری، صبح عاشورا شوخی و مزاح می‌کرد. عبدالرحمن به او گفت: دست از شوخی بردار! سوگند به خدا که این ساعت، موقع مزاح و باطل نیست. بربر در پاسخ گفت: سوگند به خدا که تمام عشیره و قوم من می‌دانند من اهل مزاح و سخن درهم و باطل نبوده‌ام، نه در سن جوانی و نه در سن کهنوت، ولیکن قسم به خدا که الان بسیار خوشحال و مسرورم به آنچه ما با آن روبرو خواهیم شد.

انسانیت

الف) عشق:

از القاب اصحاب سیدالشهدا بنابر روایت: «عُشَّاقُ الشُّهَدَاء» است؛ آنهایی که عاشق اند، آنها درد شمشیر و نیزه را نمی‌فهمند «لَا يَجِدُونَ أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ» اصلاً درد آهن را احساس نمی‌کنند. قرآن می‌فرماید: «يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» در راه خدا جهاد می‌کنند و هیچ وحشت و ترسی ندارند. «عشاق» یعنی کسانی که احساس غیر از دیدار با خدا را ندارند؛ کسی که در تصور و تقلل او غیر از ملاقات با خدا چیزی نمی‌گذرد.

وقتی در کربلا شنید فرزند یکی از یارانش به نام محمدبن بشر خضرمی به اسارت دیلمیان درآمده است، آن مرد را خواست و فرمود: من بیعت خود را از تو برداشتم. برو و فرزندت را از اسارت آزاد کن. پول آزادی فرزندت را هم من می‌پردازم. آنگاه دستور داد مقدار لازم پول و لباس در اختیار

او قرار دهند. محمدبن بشر گفت: هیئات! هرگز امکان ندارد من تو را رها کنم و دنبال کار خود بروم، آنگاه خبر تو را از مسافران بگیرم. به خدا چنین نخواهد شد و از تو جدا نخواهم شد. این را گفت و به سپاه دشمن حمله کرد و بعد از مدتی به شهادت رسید.^۴

ب) مهربانی (سخاوتمندی، حمایت کردن، مراقبت کردن، ترحم (شفقت)، عشق انسان‌دوستانه، خوبی کردن):

- مهربانی با زبردستان و یاران؛ چون بن جوی، خادم ابوذر غفاری که پس از مبارزه‌های سرسختانه و شجاعانه به شهادت رسید، حضرت امام علیه السلام بر سرش ایستاد و او را چنین دعا فرمود: خداوند ابرویش را سپید گردان و با نیکان برانگیز و میان او و محمد و آل محمد آشنایی ده.^۵

- آنگاه که «واضح» یکی دیگر از خادمان اصحاب امام حسین علیه السلام در لحظه شهادت، امام حسین را به باری طلبید، حضرت به سوی او شتافت و او در را آغوش کشید. واضح گفت: من کیستم که فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا در آغوش می‌کشد! این را گفت و جان پاک سپرد.^۶

- اوج مهر و محبت؛ هنگامی که لشکر حربن یزید ریاحی با حضرت سیدالشهدا روبرو شد، حضرت دستور داد تمام لشکر را سیراب نمایند. سپاه امام حتی از دادن آب به حیوانات آنان نیز دریغ نکرد. علی بن طعان محاربی می‌گوید: آخرین نفری بودم که رسیدم. تشنگی غلبه کرده بود. حضرت دستور داد به من آب بدهند. مشکی را در اختیار

و او را به یاری و همراهی دعوت نمود. هنگامی که پاسخ مناسبی نداد، امام حسین همراه گروهی از یاران خویش نزد عبیدالله رفت و در ضمن سخنانش او را به همکاری و مبارزه با طاغوتیان دعوت نمود.

- یکی دیگر از افرادی که امام حسین از او دعوت کرد، زهیر بن قین بود. همچنین آن حضرت به حبیب بن مظاهر اسدی نامه‌ای نوشت و از او درخواست یاری نمود.

ب) دوراندیشی (حزم):

یکی از چیزهایی که ارزش نهضت حسین بن علی علیه السلام را مشخص می‌کند، روشن بینی و دوراندیشی است. روشن بینی یعنی چه؟ یعنی حسین علیه السلام در آن روز چیزهایی در خشت خام می‌دید که دیگران در آینه هم نمی‌دیدند. می‌فهمید نمی‌فهمیدند.^۹

عن زین العابدین علیه السلام: «قال رأیتُ یوم عاشورا مَن طَعَنَ أُنْبًی و لم یقتله»

می‌فرماید: در روز عاشورا می‌دیدم بعضی به‌سوی پدرم نیزه پرتاب می‌کردند. با این‌که پدرم به آنها دسترسی داشت و می‌توانست آنها را بکشد، ولی نمی‌کشت. «فلما انْتَقَلْتُ الامامةُ اِلَیَّ عَلِمْتُ اَنَّ احداً مِنْ مُجْبِنِیْنَ کَانَ فِی صُلْبِهِ.

وقتی که امامت به من رسید، از راه امامت متوجه شدم یکی از دوستداران ما از نسل همین شخص می‌باشد.»^{۱۰}

ج) خودتنظیمی (کنترل خود):

حضرت عباس احساسات خود را کنترل کرد و به دستور امام رفت برای بچه‌ها آب بیاورد. رفتن حضرت زینب بالای جنازه فرزندان خود؛

گذاشتند. خواستم آب بخورم، مشک سنگین و در آن گشاد بود. حضرت خودشان آمدند و دهانه مشک را جمع کردند و به من دادند.^۶

- امام با شنیدن شهادت مسلم به‌سوی خیمه دختر مسلم رفت. بر سر و روی آن دختر، دست نوازش می‌کشید و مثل یتیمان او را دل‌داری می‌داد. دختر مسلم برگشت و گفت: عمو جان! این حالت را روزهای قبل، از شما مشاهده نمی‌کردم. گمان می‌کنم پدرم را شهید کردند. امام با شنیدن این سخن نتوانست جلوی گریه‌اش را بگیرد. فرمود: دخترم از این به بعد من پدر تو و دخترانم، خواهران تو هستم. دختر گریه بلند سر داد. فرزندان مسلم وقتی فهمیدند، همگی فریاد می‌زدند. پسران عمامه‌ها را روی زمین می‌انداختند و فریاد می‌کشیدند: «وامسلما و ابن عقیلاً».^۸

اعتدال

الف) تواضع و فروتنی:

آن حضرت برای پیشبرد اهداف مقدس خویش، متواضعانه قدم پیش گذاشت و در جذب و جلب افراد، خودش مستقیماً سراغ آنان رفت و آنها را به‌سوی مقصد والای خویش دعوت می‌کرد و یا پیام‌های خود را به‌صورت کتبی یا شفاهی توسط افرادی به دیگران می‌فرستاد.

هنگامی که امام حسین با یاران خود در یکی از توقفگاه‌های مسیر خود به کربلا به‌نام قصر بنی مقاتل رسیدند، آن حضرت متوجه شدند که عبیدالله بن حَرّ جعفی در گوشه‌ای فرود آمده‌است. آن حضرت حجاج بن مسروق را به‌سوی او فرستاد





طبقه‌بندی توانمندی‌های منش

توانمندی‌ها	فضیلت
توانمندی‌های شناختی که متضمن اکتساب و استفاده از دانش و معرفت‌اند. این توانمندی‌ها شامل پنج توانمندی به شرح ذیل‌اند: (الف) خلاقیت (تازگی و نبوغ)؛ (ب) کنجکاوی (علاقه‌مندی، نوجویی، گشودگی نسبت به تجربه)؛ (ج) گشودگی ذهن (تفکر انتقادی، قضاوت)؛ (د) عشق به یادگیری؛ ها فرزانه‌گی (خردمندی).	خردمندی، حکمت
توانمندی‌های هیجانی که عبارت است از اعمال اراده برای تکمیل و دستیابی به اهداف در صورت روبرو شدن با مخالفت داخلی یا خارجی (که توانمندی‌های ذیل آن عبارتند از): (الف) دلبری [و تهور]؛ (ب) پایداری (مداومت، جدیت)؛ (ج) صداقت (اصالت)؛ (د) نشاط و سرزندگی، (شادابی، شوق، شور، انرژی).	شجاعت

امام حسین علیه السلام علی اکبر را بدون معطلی روانه میدان جنگ کرد.

پترسون و سلیگمن و همکاران آنان ضمن بررسی سوابق و پیشینه مربوطه در تاریخ و فرهنگ‌های مختلف، درنهایت بیست و چهار توانمندی ذاتی (منش) را در شش دسته فضیلت طبقه‌بندی کردند. فضایل شش‌گانه و بیست و چهار توانمندی مورد نظر در جدول ذیل به نقل از پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) عرضه می‌شود. موضوعات این جدول جهت پرداختن به توانمندی‌های انسان با توجه به واقعه کربلا پیشنهاد می‌شود.





توانمندی‌ها	فضیلت
توانمندی‌هایی که ارتباط با هستی بزرگ‌تر را موجب می‌شوند و به زندگی معنا می‌بخشند، شامل موارد زیر هستند: (الف) اعتراف به زیبایی و عظمت (خشوع، حیرت، جلال و جبروت)؛ (ب) شاکر (سپاس‌گزار) بودن؛ (ج) امید (خوش‌بینی آینده‌نگری، رو به آینده داشتن، رویکرد معطوف به آینده)؛ (د) مزاح (شوخ طبعی و طنز)؛ (ه) معنویت (مذهبی بودن، ایمان داشتن، هدف‌مندی).	تعالی و علو

توانمندی‌ها	فضیلت
توانمندی‌های بین فردی که شامل مراقبت و دوست (رفیق) بودن با دیگران است و شامل توانمندی‌های ذیل است: (الف) عشق؛ (ب) مهربانی (سخاوت‌مندی، حمایت کردن، مراقبت کردن، ترحم (شفقت)، عشق انسان دوستانه، خوبی کردن)؛ (ج) هوش اجتماعی.	انسانیت
توانمندی‌های مدنی (اجتماعی) که زیربنای زندگی اجتماعی سالم است و شامل این موارد می‌شوند: (الف) شهروندی (مسئولیت اجتماعی، وفاداری، کار جمعی)؛ (ب) انصاف؛ (ج) رهبری.	عدالت
توانمندی‌هایی که از افراط و تفریط برحذر می‌دارد، و شامل این مواردند: (الف) عفو و بخشش؛ (ب) تواضع و فروتنی؛ (ج) دوراندیشی (حزم)؛ (د) خودتنظیمی (کنترل خود).	اعتدال

پی‌نوشت‌ها:

(۱) محمدرضا سلمانی عیبات <https://khouzestan.iqna.ir/fa/news/3920174>.

(۲) اصغر طاهرزاده، کربلا، مبارزه با بوجی‌ها، ص ۲۹۵.

(۳) ترجمهٔ مقتل حاج محمدکریم خان، کرمانی، ص ۱۱۱؛ داستان دوستان، اشتهازدی، ج ۲، ص ۲۳۴، شماره ۱۶۴.

(۴) مقاتل‌الطالیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۱۱۸.

(۵) سید محمدباقر نجفی، ص ۲۶۴، به نقل از تربیت حسینی، حسن ملکی و همکاران (۱۳۸۶).

(۶) همان، ص ۲۶۶.

(۷) مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۳۰.

(۸) الهوف، ص ۱۳۴.

(۹) مطهری (۲/۱۳۶۴) (۸۴).

(۱۰) معالی السیطین، ج ۲، ص ۳۱ به نقل از کبریت احمر.



نشریه محراب

شماره هشتم



نافذ البصیره

درباره شخصیت ممتاز حضرت عباس علیه السلام

آیت الله مهدی شب‌زنده‌دار | استاد درس خارج حوزه علمیه

است. داشتن بصیرت، یک نعمت بزرگ است. این‌که انسان بتواند مسائل را بفهمد و امر بر او مشتبه نشود یا مشتبه نکنند، این بصیرت است. به ما دستور داده شده در هر مغرب و صبحگاه، بعد از نماز، از درگاه خدای متعال این را بخواهیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ التَّوَرَّ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي».

نفوذ بصیرت، این است که بصیرت آن چنان قوی شود که شخص لایه‌های زیرین را هم بفهمد. گاهی برخی امور پیچ در پیچ است. ممکن است کسی سطح ظاهری امور را درک کند و کلاه سرش نرود، اما لایه دوم را متوجه نمی‌شود. «نافذ البصیره» یعنی انسان با فهم و درک خویش تا نهایت عمل را ببیند که این یک نعمت بسیار بزرگ الهی است. یکی از خصوصیات حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام همین نفوذ بصیرتش بود که در آن ماجراهای زمان امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد از آن شاهدش هستیم.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۱۳۷.

یکی از عناصر مهم و برجسته این حماسه عجیب از صدر عالم تا پایان عالم، جناب عباس بن علی بن ابیطالب (علیهما السلام) است. امام صادق علیه السلام در مقام معرفی این بزرگوار به حسب نقل، پنج خصوصیت برای ایشان برشمردند که اگر ما آن بخشی را که امکان تحقق دارد، در خودمان زنده کنیم، قهراً منازلی از منازل آن بزرگوار را به دست خواهیم آورد.

آنها در اوج و در قله‌هایی هستند که برای دیگران شاید میسر نباشد، اما منازلی از منازل رحمت آنها برای دیگران قابل درک است.

امام صادق علیه السلام حسب این نقل فرمودند:

«كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَابْلَى بِلَاءَ حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا» هریک از این جملات، درس آموز است و پیام دارد و راه درست رسیدن به مدارج عالیه را نشان می‌دهد. حضرت در تعریف از عموی خویش فرمودند: «نَافِذَ الْبَصِيرَةِ»؛ بصیرت داشتن یک چیز است و «نَافِذَ الْبَصِيرَةِ» بودن، چیز دیگری



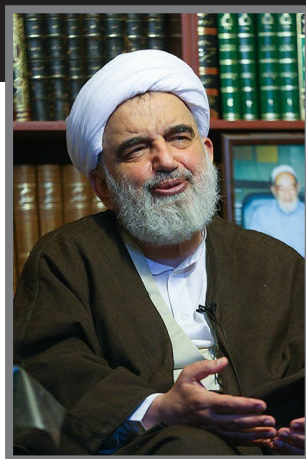
۳۵

نشریه محراب
شماره هشتم

جرعه‌ای از حوض کوثر

آثار یاد امام حسین علی‌ه‌السلام

آیت‌الله محمدعلی جاودان | استاد اخلاق



وَمَا بَكَی أَحَدٌ رَحْمَةً لَّنَا وَ لِمَا لَقِینَا إِلَّا رَحْمَةُ اللَّهِ؛ کسی که دلش برای ما می‌سوزد و برای ما گریه می‌کند، قبل از این که اشک از چشمش جاری شود، رحمت خداوند شامل حالش می‌شود

گریه کرد. فرشتگانی که برای ما گریه کردند، بسیار بیشتر از انسان‌هایی هستند که گریه کردند. اشک فرشتگان از آن روزی که ما را کشته‌اند، خشک نشده است.» بعد فرمود: «وَمَا بَكَی أَحَدٌ رَحْمَةً لَّنَا وَ لِمَا لَقِینَا إِلَّا رَحْمَةُ اللَّهِ؛ کسی که دلش برای ما می‌سوزد و برای ما گریه می‌کند، قبل از این که اشک از چشمش جاری شود، رحمت خداوند شامل حالش می‌شود. وقتی این اشک روی گونه‌هایش جاری شد، اگر یک قطره از آن اشک صورت مؤمن در جهنم بچکد، آتش جهنم خاموش می‌شود.» سپس فرمودند: «کسی که دلش برای ما به درد می‌آید، هنگام مرگ زمانی که ما را مشاهده می‌کند، شادمان خواهد شد. این شادمانی از لحظه مرگ در دلش است تا در حوض کوثر ما را ملاقات کند. حوض کوثر از این که دوستان ما به کنارش می‌آیند، شادمان می‌شود. آنجا به قدری نعمت وجود دارد که آن فرد دلش نمی‌خواهد یک لحظه از آنجا دور شود.» آنگاه فرمودند: «یا مسمع! هرکس یک جرعه از حوض کوثر بخورد تا ابد سیراب می‌شود و هیچ‌گاه تشنه نخواهد شد. بوی عطرش از هزار سال راه به مشام می‌رسد. کسی که در آنجا یک جرعه از حوض کوثر می‌نوشد، می‌گوید: ای کاش دیگر هیچ جای دیگر نروم. هیچ چشمی برای ما گریه نمی‌کند، مگر این که از دیدار حوض کوثر شادمان می‌شود و از آن خواهد نوشید. هرکس به اندازه درجه محبتی که به ما دارد، از حوض کوثر لذت می‌برد.»

مردی به نام مِسمَع بن عبدالمَلک که بصری بود، به محضر حضرت صادق علیه السلام مشرف شد. امام فرمودند: «أَفَمَا تَذْكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ؟ آیا یاد می‌کنی بر سر حضرت حسین علیه السلام چه آوردند؟» عرض کردم: بله، از حوادث کربلا یاد می‌کنم. فرمودند: آیا جَزَع می‌کنی؟ گفتم: «إِی وَ اللَّهِ؛ بله، به خدا قسم این طور است. بدون هیچ مقدمه‌ای اشک از صورتم می‌ریزد و آن روز نمی‌توانم غذا بخورم.» امام علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ؛ خدا آن اشکی را که از چشم تو جاری می‌شود، رحمت کند.» «أَمَّا إِيَّاكَ مِنَ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا يَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا وَ يَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا وَ يَخَافُونَ لَخَوْفِنَا؛ تو در شمار کسانی هستی که برای ما جزع می‌کنند و غصه می‌خورند و جزو کسانی هستی که در شادی ما شادی می‌کنند.» تو نتیجه این عمل را در هنگام مرگت خواهی دید. «أَمَّا إِيَّاكَ لِتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ؛ پدران من هنگام مرگ تو می‌آیند. آنها سفارش تو را به حضرت ملک الموت می‌کنند. برای تو بشارت می‌آورند و حضرت ملک الموت بر تو از مادر شفیع، دلسوزتر است.» بعد امام علیه السلام گریه کرد و من هم با ایشان گریه کردم. بعد فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِرَحْمَتِهِ؛ خدا به رحمتش ما را بر مخلوقاتش برتری بخشید و ما اهل بیت را به رحمت خودش مخصوص گردانید. ما اهل بیت رحمت هستیم.» سپس فرمود: «یا مِسمَع! زمین و آسمان در قتل حضرت حسین علیه السلام



در نقل مقتل‌ها حساسیت ایجاد نشود

سیره ائمه بزرگوار (علیهم السلام) در نقل مقتل در گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر رفیعی

به کوشش: حسن علی آبادی، پژوهشگر

نشریه محراب
شماره هشتم

مقتل خوانی همچون بسیاری از مناسک مذهبی، روشی است که برگرفته از سیره اهل بیت عصمت و طهارت است. شاید یکی از حکمت‌های مسئله ثواب گریه بر مصائب حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) همین مسئله باشد. درباره این سیره نورانی و علمی گفتگویی با خطیب توانمند، حجت الاسلام و المسلمین دکتر ناصر رفیعی صورت گرفته است که در ادامه می‌آید.

آیا در سیره اهل بیت مقتل خوانی وجود دارد؟

درباره مقتل خوانی باید اول نکته ای را بگویم، بعد این پرسش را جواب دهم. آن نکته این است که اهل بیت (علیهم السلام) بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) مخصوصاً در سال های اولیه در تنگنا و فشار سیاسی شدیدی بودند. کسانی که حضرت اباعبدالله را به شهادت رساندند، اجازه نمی دادند برای ایشان عزاداری برپا شود، به ویژه در دوران امام سجاد (علیه السلام) که تمام مقتل خوانی ها،

روحه خوانی ها و عزاداری ها فردی است. به همین دلیل امام سجاد (علیه السلام) به هر بهانه ای به ذکر مقتل اباعبدالله می پرداختند. مثلاً اگر نگاهشان به آب می افتاد، می فرمودند «قُتِلَ ابن رسول الله عَظْشاناً» یا گاهی می فرمودند یوسف پیامبر مفقود شد، پدرش آن قدر گریست که چشم هایش

را از دست داد، چگونه من گریه نکنم در حالی که یوسف های ما را سر بردند؟ گاهی به صورت کلی این مسئله را متذکر می شدند. مثلاً می فرمودند: سه روز در تاریخ اسلام بر ما سخت گذشت: یکی روز شهادت حمزه سیدالشهدا، دوم روز شهادت جعفر بن ابی طالب و سوم روز شهادت پدرم که روزی به سختی روز او نبود. بعد می فرمودند: «كُلُّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِدَمِهِ» هرکسی سعی می کرد با کشتن امام حسین (علیه السلام) به خدا تقرب پیدا کند. در زمان امام باقر (علیه السلام) نیز این گونه بود؛ با این تفاوت که فضا مقداری باز شده بود و برخی شاعران هم



می توانستند نزد حضرت بروند و شعر بخوانند. زمان امام صادق (علیه السلام) این مسیر بیشتر باز شد، به گونه ای که در منا مجلس عزای تشکیل می شد و ایشان هم شرکت می کردند. شعری مثل ابوهارون، سید حمیری و جعفر عُفان، شعر می خواندند و امام آنها را تشویق می کردند. در همین زمان است که امام تأکید کردند هرکس شعری درباره اباعبدالله بگوید و بخواند، فلان قدر ثواب دارد. با این حال هنوز آن تنگناها به قوت خود باقی بود و بنی عباس فضا را کاملاً باز نگذاشته بودند. برای نمونه در خانه امام صادق (علیه السلام) مقتل خوانی کردند و صدای گریه زن ها بلند شد. مدینه کوچک بود، لذا مأمورها فهمیدند و از طرف فرماندار مدینه به خانه حضرت هجوم آوردند. امام بیرون آمدند و فرمودند: «صَبِيٌّ قَدْ غَشِيَ عَلَيَّه»، بچه ای از حال رفته بود، زن ها جیغ و داد می کردند. شیخ جعفر شوشتری می فرماید امام تقیه کرد و منظورشان از «صَبِيٌّ» علی اصغر امام حسین (علیه السلام) بود.

در زمان امام رضا (علیه السلام) فضا خیلی بیشتر باز می شود، مخصوصاً در سه سالی که امام رضا ایران بودند، زیرا مأمون ظاهراً از شیعیان حمایت می کرد و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را رسماً بر خلفا ترجیح می داد. لذا دعبل خزاعی قصیده معروف خود را در حضور امام رضا (علیه السلام) می خواند.

بعد از دوران غیبت صغری، عزاداری و عاشورا رسمیت می یابد. در زمان آل بویه، روز عاشورا تعطیل رسمی می شود.



کسانی که حضرت اباعبدالله را به شهادت رساندند، اجازه نمی‌دادند برای ایشان عزاداری برپا شود، به ویژه در دوران امام سجاد (ع) که تمام مقتل خوانی‌ها، روضه خوانی‌ها و عزاداری‌ها فردی است

بندگان را از جهالت و حیرت نجات دهد.» ایشان چند بیان مصیبت درباره حضرت ابوالفضل (ع) دارد که اشاره می‌کند دست‌های او را قطع کردند، اما ایمانش محکم بود. هم به ویژگی‌ها و اهداف اشاره می‌کند، هم به مصیبت که بارزترین آن، زیارت حضرت ابوالفضل (ع) است: «أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّضَدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ» شهادت می‌دهد تسلیم امامت بودی، و افادار بودی، خیرخواه بودی، پیرو امامت بودی. مانند بدریون عمل کردی و خسته نشدی. در عین حال به مصیبت‌های حضرت ابوالفضل (ع) اشاره دارد. لذا در مقتل خوانی ائمه (ع)، هم بیان مصائب است و هم بیان اهداف نهضت و قیام حسینی.

آیا حضرات معصومین در بیان مقتل اصول خاصی هم داشتند؟

باید در پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها روی آن کار شود. ولی آنچه از مقاتل از نقل معصومین است، با توجه به عصمت آنان، برای ما حدیث محسوب می‌شود. منتها به نظر می‌رسد در نقل مقاتل چند نکته مورد توجه بوده؛ یکی مخاطب است که گاهی کشش مطلب را ندارد، لذا امام سرپیسته سخن می‌گویند. گاهی مخاطب کشش دارد، دراین صورت امام افشاگری کامل می‌کند. مثلاً امام سجاد (ع) فرمودند: به‌اندازه ننگین انگشتر جای سالم بر بدن پدرم باقی نگذاشتند یا این‌که فرمودند: «وَ أَذِيبُهَا بِالْقَفَاءِ، أَنَا ابْنُ الْمَذْبُوحِ بِالْقَفَاءِ» من پسر کسی هستم که از قفاء سر بریده شد. نکته دوم این‌که به نظر می‌رسد ائمه بزرگوار (ع)

با این مقدمه روشن می‌شود که در زمان ائمه و حتی قبل از آن مقتل خوانی بوده است. مرحوم شیخ صدوق کتابی به نام مقتل داشته به نقل از معصومین، که امروز موجود نیست، ولی آقای صحتی زحمت کشیده و آن را از منابع استخراج کرده است. این کتاب نیز نشان از مقتل خوانی در سیره معصومین دارد.

آیا سنت مقتل خوانی روش همه حضرات معصومین بوده یا فقط بعضی از آنان؟

به نظر می‌رسد که همه ائمه راجع به عزای امام حسین (ع) نقل مصائب داشته‌اند. البته بسیاری از آنها به ما نرسیده است. مقام معظم رهبری فرمودند امام حسین ده سال در مدینه آقا و آقازاده بوده، به‌عنوان نوه پیغمبر حتی مورد احترام یهود هم بوده، اما چرا بیشتر از چهار پنج حدیث فقهی از ایشان نداریم؟ آیا امام حسین (ع) تفسیر و احکام نمی‌گفته است؟ متأسفانه خیلی از مطالب اهل بیت را از بین بردند.

آیا ائمه (ع) در مقتل خوانی هدفی داشتند یا فقط نقل حادثه می‌کردند؟

یقیناً بیان مصیبت به دو جهت بوده: یکی نقل حادثه و فراموش نشدن تاریخ اباعبدالله که اگر غیر از این بود، فراموش می‌شد. نکته دوم اشاره به هدف اباعبدالله است. مثلاً در زیارت اربعین که به انشای امام صادق (ع) است، هم به مصیبت اشاره می‌کند، هم به هدف و می‌فرماید: «وَ بَذَلْ مُهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتْ تَقْدُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ؛ حسین خونس را داد برای این‌که

مقاتل قبل از قرن هفتم از اتقان بیشتری برخوردار است.

بعد از قرن هفتم در نقل‌ها باید احتیاط بیشتری شود. قبل از قرن هفتم که می‌گویم، بیشتر منابع تاریخی منظور است.

بخش دوم از ناقلان کربلا نقل شده؛ مثل ضحاک بن عبدالله و هلال. این هم خوب است. مورخان کهن بخش زیادی از حوادث کربلا را از مقتل معروف ابی مخنف نقل کرده‌اند.

بخش سوم هم نقل از کتب قبلی است؛ مثلاً سید بن طاووس می‌گوید شیخ صدوق یا شیخ مفید این طور گفته‌است. به مجموعه این نقل‌هایی که در تاریخ آمده، تا قرن هفتم می‌شود اعتماد کرد. بعد از قرن هفتم هم همین طور است، منتها باید احتیاط شود. مثلاً در دوران صفویه که مقتل نگاری باب شد، کتاب‌هایی مثل روضة الشهدا، معالی السبطین و محرق القلوب نوشته شد. اگر کسی بخواهد از آنها نقل کند، اشکالی ندارد، ولی توجه داشته باشد که مقتل‌های قبل از قرن هفتم قابل اعتمادتر است. مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی می‌فرمود فصل الخطاب، نفس‌المهموم حاج شیخ عباس قمی باشد؛ یعنی دیگر از این جلوتر نروید.

توضیح من این است که دوستان حداقل مقتل جامع آقای پیشواپی یا شهادت‌نامه امام حسین (علیه السلام) را که دارالحدیث چاپ کرده، ببینند. البته من به بعضی از این‌ها نقد دارم و صد درصد مورد تأیید من نیست. آقای نظری منفرد نیز کتابی نوشتند و سعی کردند تلفیقی از مطالب ایجاد کنند. سخن من این است که به این‌ها توجه شود.

آیا نقل‌های متفاوت ضربه‌ای به مقاتل نمی‌زند؛ مثلاً بعضی‌ها قاتل سیدالشهدا را شمر می‌دانند و برخی دیگر، سنان؟

علت این تفاوت، نقل تاریخ است. آن قدر ابا عبدالله ایهت و عظمت داشت و آن قدر افراد

مواظب بودند در نقل مقتل‌ها حساسیت ایجاد نشود. لذا در زیارت عاشورا که از معصومین (علیهم السلام) رسیده، در لعن‌ها، خیلی جاها با ابهام روبرو می‌شویم.

نکته دیگر این که روضه مکشوف - به معنایی که خیلی فاش باشد - کمتر ممکن است در سیره معصومین دیده شود.

فرمودید کتابی از شیخ صدوق بوده در مورد مقاتلی که از لسان اهل بیت (علیهم السلام) است. آیا کتاب‌های دیگری هم وجود دارد که از ائمه نقل شده باشد؟

ناقلان حادثه کربلا فقط معصومین نیستند. خیلی از حوادث را هلال بن نافع، ضحاک بن عبدالله مشرقی و سایرین نقل کرده‌اند. این افراد یا در لشکر دشمن بودند یا مثل ضحاک در لشکر امام حسین (علیه السلام) بودند.

مقاتل قبل از قرن هفتم از اتقان بیشتری برخوردار است. بعد از قرن هفتم در نقل‌ها باید احتیاط بیشتری شود. قبل از قرن هفتم که می‌گویم، بیشتر منابع تاریخی منظور است. مثلاً تاریخ طبری خیلی از مقتل‌ها را دارد. یا خوارزمی که از علمای اهل سنت است، قبل از قرن هفتم مقتل نوشته‌است. سید بن طاووس که لهوف را نوشته، از رشاد شیخ مفید و کتاب‌های دیگر نقل کرده‌است.

این بزرگان در نقل مطالبشان به سه نوع نقل قول می‌پرداختند: یکی از خود معصوم؛ مثلاً می‌گوید امام سجاد (علیه السلام) فرمود: روزی به سختی روز پدرم نیست. یا فرمود: خدا عمویم عباس را رحمت کند، مقامی دارد که شهدا به آن غبطه می‌خورند.

دور ایشان ریختند که معلوم نشد دقیقاً قاتل کیست. فرض کنید چهل نفر بر سر یک انسان مظلوم بریزند. بعد از لحظاتی ببینید که سر ایشان از بدن جدا شده است. قاتل کیست؟ مشخص نمی‌شود. وقتی ابی عبدالله در گودی قتلگاه افتاد، شمر آمد، سنان آمد، خولی آمد، همه به هم ارجاع می‌دادند. طبیعتاً به همین جهت افراد مختلفی به عنوان قاتل نقل شده‌اند.

من نظریه‌ای دارم که بارها آن را در جمع مداح‌ها گفته‌ام. آن نظریه این است که پردازش روضه اشکال ندارد. مثلاً در اتوبان اگر ماشین خراب شود و بچه‌ای همراه شما باشد، یک ساعت هم بایستید، کسی نمی‌آید به شما کمک کند؛ ولی تا بچه‌ات را سر دست بگیری، همه ماشین‌ها می‌ایستند و می‌گویند: نه، این دیگر بازی او نیست، واقعاً گرفتار است. آن وقت چگونه می‌شود که شش ماهه ابی‌عبدالله ... این‌ها می‌شود پردازش. یا مثلاً قرآن کریم برای بچه‌های مشرکان اعلام عزا می‌کند: «بأی ذنب قُتِلْتَ»، حال چطور می‌شود اطفال ابی‌عبدالله به شهادت برسند، کتک بخورند، کسی برای آنان عزاداری نکند؟ این پردازش است. خدا، آقای فلسفی را رحمت کند، یادم هست می‌فرمود: شیر، آب و غذای بچه است. بچه تحلیل و تحمل ندارد. به بزرگ‌ترها می‌شود گفت آب نیست، اما به طفل شش ماهه نمی‌شود این‌ها را گفت؛ لذا گریه او گریه احساسی و عاطفی است. این‌گونه فضا سازی می‌کردند. روضه‌های مقام معظم رهبری نیز این‌گونه است.

نکته بعدی این‌که چند روز قبل خانمی به من زنگ زد و گفت: بچه‌ای ده‌ساله دارم. دو سه جا پشت سرهم روضه رفته و بر اثر عزاداری‌های شدید، الآن دچار مشکل و بیماری شده است. در مسئله عزاداری ابی‌عبدالله باید حداکثر عزاداری را کرد، ولی به این نکته توجه شود که به مردم لطمه وارد نشود. لطمه به این معنا که طراوت مصیبت تمام شود؛ یعنی خیلی فاش نخوانند. عزاداری علما را ببینید. البته گاهی عمامه از سر برمی‌داشتند. یا امام رضا (ع) می‌فرماید: مصائب جذمان ما را مجروح کرده. من نمی‌خواهم بگویم عزاداری‌ها کاهش پیدا کند، بلکه حداکثر عزاداری شود، ولی به حال مخاطب هم توجه داشته باشیم. مثلاً در جایی که چهل یا پنجاه نوجوان و جوان است، مصائب گفته شود، گریه هم نکنند، عزاداری هم کنند، اما به گونه‌ای که موجب سست شدن ابهت و عظمت عزاداری نشویم.

نکته بعدی این‌که، هم مداح‌ها و هم منبری‌ها به بیان اهداف ابی‌عبدالله بپردازند. امام صادق (ع) اگر روضه می‌خواند، «لیستنقذ عباده» را هم دارد. مقام معظم رهبری بارها فرمودند: آقایان مداح در ابتدای مراسم، اشعار وعظ بخوانند. شخصیت، عظمت و شجاعت حضرت عباس را معرفی کنند. به عبارت دیگر، توصیه بعدی من این است که چهره ضعیفی از معصومین ارائه نکنیم.

با حفظ این مسائل، ان شاء الله عزاداری ابی‌عبدالله حفظ شود و روزه‌روز گسترش پیدا کند.



...مسیر زینب (علیها سلام)

نرگس مروجی | فعال فرهنگی

چشم از حرام فرو بسته‌ای؟
لباس عفت و حیا پوشیده‌ای؟
ردای غیرت به تن داری؟
شنیده‌ای «هنگام ظهر ابوتمامه صیداوی به امام حسین (علیه السلام) عرض کرد: جانم فدای شما! این مردم به شما نزدیک شده‌اند و لحظاتی بعد [شما] به شهادت می‌رسید. به خدا سوگند تا من زنده‌ام از شما حمایت می‌کنم. اکنون وقت نماز است. دوست دارم هنگام ملاقات خداوند، نماز ظهر را خوانده باشیم.
حضرت سر به آسمان بلند کردند و فرمودند: «ذکر التَّوَلَّى جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِينَ نَعْمَ أَوَّلَ وَقْتِهَا؛ خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد، ما را به یاد نماز انداختی. آری، اکنون اول وقت نماز است.» سپس

می‌دانی کجا می‌روی و با که همراه شده‌ای؟
چه کسی منتظر توست؟ ۱۳۸۳ سال است که این راه، مسیر عشاق حسین (علیه السلام) است. قدم در راهی گذاشته‌ای که زینب آن را پیمود؛ اما چگونه؟ عزیزترینش رفت اما محراب عبادتش نرفت، فرزندش رفت اما چادرش نرفت، گل‌های بوستانش مقابل دیدگانش پرپر شدند و ایمانش پُر نزد، پایه‌های عرش فرو ریختند و او فرو نریخت. «سرش شکسته ولی سرشکسته نیست»^۱. صبر از او اعتبار می‌گیرد و عفت و حیا در مقابلش زانو می‌زنند و دین، با ایمان او پابرجاست.
سَرّ نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود
کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود^۲
زائر! نمازت را خوانده‌ای؟

هر عشقی هزینه‌ای دارد و بهای عشق حسین، گذشتن از مال و جان و آبرو برای یوسف زهراست. آماده‌ای هزینه عشقت را پردازی؟ آغاز مسیر عشق، محراب و نماز و حیا و شهامت است.



نماز خواند و این هم به جهت گرسنگی و ضعف او بود، زیرا سه شب بود که غذایی را که به او می‌دادند میان اطفال تقسیم می‌کرد، چون که آن مردمان (سنگدل) در هر شبانه‌روز به ما یک قرص نان بیشتر نمی‌دادند.^۴

اکنون بگو: آماده رتن شده‌ای؟
آماده‌ای با بانوی پهلوشکسته‌ای دیدار کنی که به پیشواز رهروان جاده نور می‌آید؟

هر عشقی هزینه‌ای دارد و بهای عشق حسین، گذشتن از مال و جان و آبرو برای یوسف زهراست. آماده‌ای هزینه عشقت را پردازی؟

آغاز مسیر عشق، محراب و نماز و حیا و شهامت است و فرازش این است:

«یا مُحَمَّداه! صَلِّی عَلَیْکَ مَلِیْکُ السَّمَاءِ، هَذَا حُسَیْنٌ مُرْمَلٌ بِالذِّمَاءِ، مُنْقَطِعُ الْأَعْضَاءِ وَ بَنَائِکَ سَبَا، اِلَیَّ اللهُ الْمُشْتَکِی وَ اِلَیَّ مُحَمَّدٌ الْمُصْطَفِی وَ اِلَیَّ عَلِیُّ الْمُرْتَضِی وَ اِلَیَّ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ وَ اِلَیَّ حَمْرَةُ سَیِّدِ الشَّهْدَاءِ! یا مُحَمَّداه! هَذَا حُسَیْنٌ؛ اِی مُحَمَّد! فرشتگان آسمان بر تو درود فرستند. این حسین است که آغشته به خون است و اعضایش قطع شده، و این دخترانت هستند که اسیر شده‌اند. به خدا و محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حمزه سیدالشهدا شکایت می‌برم. اِی مُحَمَّد! این حسین است.»^۵

پی‌نوشت‌ها:

(۱) مجید تال.

(۲) قادر طهماسبی (فرید).

(۳) بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱.

(۴) ریحان الشریعه، ج ۳، ص ۶۱.

(۵) جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ۱۵۳.

به یاران خود فرمود: از اینان بخواهید چند لحظه دست از جنگ بردارند تا ما نماز بگذاریم.

حصین بن نمیر، بی‌شرمانه گفت: نماز شما پذیرفته نیست.

حبیب بن مظاهر بر او تاخت و از اسب به زمین افکندش و شمشیر کشید تا او را به قتل برساند. یاران حصین به فریادش رسیدند و از مهلکه نجاتش دادند.

امام (علیه السلام) به نماز ظهر ایستاد. دو تن از یاران دلیر امام به نام‌های زهیر بن قین و سعید بن عبدالله در مقابل نمازگزاران ایستادند تا از آنان محافظت نمایند.^۳

به زیارت مولایی می‌روی که این‌گونه نماز گزارد. یارانش سپر بلایش شدند تا نماز خوف به پایان برسد.

امروز تیرهای فتنه، امام غریب (عجل الله تعالی فرجه) را نشانه گرفته‌اند. آیا سپر بلای امام زمانت شده‌ای؟

و اما شاید سخت‌تر از نماز عاشورا، نماز شام غریبان بود که شیرزن کربلا آن را به جا آورد؛ بانویی که امام سجاد علیه السلام درباره ایشان می‌فرماید: «إِنَّ عَمَّتِی زَيْنَبُ کَانَتْ تُؤَدِّی صَلَوَاتِهَا مِنْ قِیَامِ الْفَرَائِضِ وَ النَّوَافِلِ، عِنْدَ مَسِيرِنَا مِنَ الْکُوفَةِ اِلَی السَّامِ، وَ فِی بَعْضِ الْمَنَازِلِ صَلَّی مِنْ جُلُوسٍ لِشِدَّةِ الْجُوعِ وَ الضَّغْفِ مُنْذُ ثَلَاثِ لَیَالٍ؛ لَأَنَّهَا کَانَتْ تَقْسِمُ مَا یُصِیْبُهَا مِنَ الطَّعَامِ عَلَی الْأَطْفَالِ، لِإِنَّ الْقَوْمَ کَانُوا یَدْفَعُونَ لِکُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ رَغِیْفًا وَاحِدًا مِنَ الْخُبْزِ فِی الْیَوْمِ وَ اللَّیْلَةِ؛ هَمَانَا عَمَهُامَ زَيْنَبُ هُمَهُ نَمَازَی وَاجِبَ وَ مُسْتَحَبَّ خُودَ رَا دِر طُولِ مَسِيرِ از کوفه به شام، ایستاده می‌خواند و در بعضی منزل‌ها نشسته،



معرفی کتاب

برای دبستان

کودکان غریب



برای راهنمایی

بچه‌ها! بریم کربلا



«نیمه‌های شب بود. محمد و ابراهیم در خواب بودند که در خانه به صدا درآمد. پیرزن خود را پشت در رساند و گفت: پشت در کیست؟ آن شخص گفت: دامادت، حارث! باز کن خیلی خسته هستم. در خانه باز شد. داماد پیرزن که عصبانی بود، گفت: دو کودک از زندان عبیدالله فرار کرده‌اند...»

سلسله حوادث قبل و بعد عاشورا، مثل خود این حماسه، تأثیربرانگیز و عبرت‌آموزند. یکی از غم‌انگیزترین این حوادث ماجرای دو کودک

۴۴

نشریه محراب
شماره هشتم

وقایع عصر عاشورا و اسارت کودکان و زنان در ادامه می‌آید. پایان بخش این مقتل، چگونگی دفن بدن مطهر امام حسین (علیه السلام) و دیگر شهدای کربلاست. این کتاب بر آن بوده‌است که در عین اختصار و اتقان، تصویری کامل و پیوسته از اتفاقاتی ارائه دهد که منجر به این واقعه تاریخ‌ساز شد.

پرسش‌ها و پاسخ‌های برگزیده ویژه محرم

چرا امام حسین علیه السلام به جای کوفه به یمن نرفت که سابقه‌ای شیعی داشت؟ اگر امام می‌دانست که کشته می‌شود، چرا خود را به کشتن داد؟ عاشورا

چه نقشی در پیدایش و پیروزی و تداوم انقلاب ما داشته است؟ فایده گریه و عزاداری چیست و عزاداری از کی به وجود آمده و کم و کیف آن چیست؟ ابعاد عرفانی و اخلاقی قیام عاشورا و تأثیر آن بر ادبیات فارسی چیست؟ آیا گریه و غلبه غم بر مراسم دینی کاری صحیح است و بر روان آدمی اثر ناهنجار نمی گذارد؟ قمر زنی در خفا اشکال دارد؟ آیا ... ؟

کتاب حاضر که دفتر سیزدهم از مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی است، در

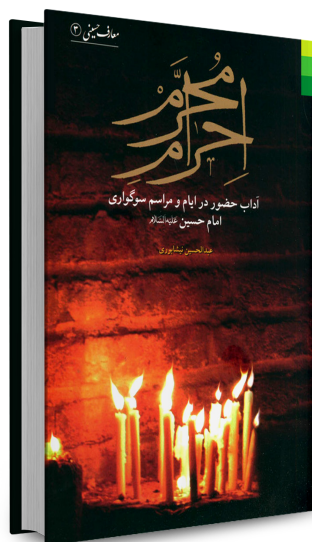
پالایش درون از آلودگی‌ها اصلی‌ترین شرط برای بهره‌بری معنوی کامل از آیین‌ها و مراسم مذهبی است. به قول خواجه شیراز: شست‌وشویی کن و آن‌گه به خرابات خرام. البته در کنار مسائل درونی، رعایت برخی آداب و ادب‌های بیرونی نیز می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. از آنجاکه عزاداری اباعبدالله علیه السلام بیشترین حجم از آیین‌های مذهبی ما را دربرمی‌گیرد، شایسته‌است که به خوبی و دقت به این موضوع بپردازیم؛ کاری که عبدالحسین نیشابوری در این کتاب سعی در انجام آن دارد. مؤلف در سه بخش کتاب با عنوان‌های: احرام محرم در تاریخ؛ احرام محرم چگونه؟؛ آداب محرم چیست؟؛ مخاطب خود را با آداب حضور در ایام و مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام آشنا می‌کند. بخش اول به تاریخچه عزاداری در طول تاریخ می‌پردازد. بخش دوم مراقبت‌های جسمی و روحی لازم برای ورود به محرم را بیان می‌کند: «گرچه قطرات اشکی که می‌ریزیم به برکت امام حسین علیه السلام پاک‌کننده جان و روان از تمام آلودگی‌هاست، ولی ما وظیفه داریم به استقبال آن اشک رویم. به خاطر احترامی که برای اشک قائلیم، باید اشکی که برای آقا و مولایمان می‌ریزیم از چشمی پاک سرازیر شود. باید دست را نیز زیر ذره‌بین مراقبت و مواظبت قرار دهیم...».

بخش سوم نیز اعمال واردشده در دو ماه محرم و صفر را به ترتیب روزها به خوانندگان عرضه می‌کند.

قالب ۱۳۸ پرسش و پاسخ به بررسی ابعاد مختلف حماسه عاشورا می‌پردازد که چند نمونه از آنها را با هم خواندیم. پرسش‌های کتاب در هفت بخش دسته‌بندی شده‌اند که عبارتند از: تاریخ و سیره؛ فلسفه قیام امام حسین علیه السلام؛ اندیشه سیاسی؛ فلسفه عزاداری؛ اخلاق و عرفان؛ تربیتی و روان‌شناسی و احکام عزاداری. تدوین هر بخش از کتاب را یکی از اساتید متخصص و صاحب‌نظر در آن موضوع عهده‌دار شده‌است.

برای معلمان

احرام محرم



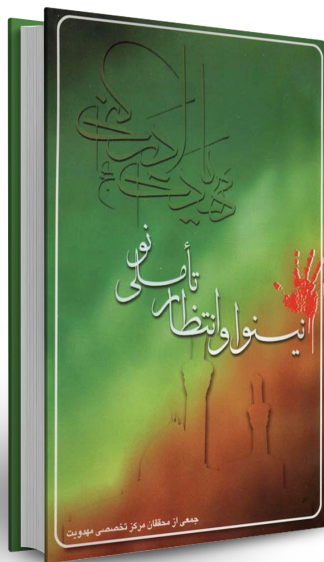
سخن گفتن از عاشورا بدون یادکرد ظهور و منتقم خون حسین، بزرگ‌ترین جفا و تحریف در حق قیام عاشورا است

رکعت نماز، سپس توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) بهتر از تشریف باشد....»
عنوان برخی از مباحث پانزده‌گانه کتاب از این قرار است: نگاهی به عزت حسینی و عزت مهدوی؛ نقش زن در قیام کربلا و قیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و نقش جوانان در انقلاب سرخ حسینی و قیام سبز مهدوی.

نینوا و انتظار؛ تأملی نو

«از زمان استغاثه غریبانه امام حسین (علیه السلام)، سال‌ها قرن‌ها می‌گذرد؛ اما انعکاس آن را می‌توان در لحظه لحظه تاریخ به گوش جان شنید. این فریاد نه تنها رو به خاموشی و افول نگذاشته، بلکه هر روز رساتر و پرمعنی‌تر، بر خروش و جوشش آزادگان عالم می‌افزاید. گویا امام حسین (علیه السلام) و تمام انبیا، اولیا و مردان الهی، سال‌ها و قرن‌ها چشم به راه دوخته و به انتظار نشست‌اند تا امام عصر (عج) ندایشان را پاسخ گوید....»

سخن گفتن از عاشورا بدون یادکرد ظهور و منتقم خون حسین، بزرگ‌ترین جفا و تحریف در حق قیام عاشورا است. چگونه نینوا معبری است برای رسیدن به ظهور و منتظران ظهور چگونه می‌توانند در پیوند با عاشورا انتظار واقعی را در خویش بپروند؟ سؤالاتی از این قبیل دست‌مایه نگارش کتاب نینوا و انتظار به همت جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت بوده است. نکاتی درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) از زبان مرحوم آیت الله بهجت آغازگر کتاب است: «لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) تشریف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو



کتاب‌های عاشورایی



کتاب بانک جامع عزاداری ویژه ماه محرم



کتاب امام حسین علیه السلام از دیدگاه اهل سنت



کتاب قیام حسین علیه السلام



کتاب در سوگ امیر آزادی

روضه‌های عاشورایی



روضه مرحوم آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی



روضه مرحوم آیت الله میرزا علی احمدی میانجی



روضه استاد سید محمد مهدی میرباقری



روضه استاد حسین انصاریان

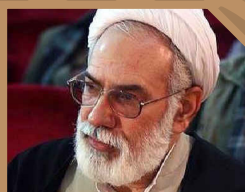
جهت دریافت، رمزینہ‌های پاسخ سریع موجود را اسکن کنید

بینش و دانش و مهارت سه بال برای قبول جایگاه رفیع امام جماعتی در یک مسجد است. از آنجا که امام جماعت خواه ناخواه الگوی رفتاری مأمومین و محله خود قرار می‌گیرد، نیازمند حدیث نفس همیشگی و همچنین مهارت‌افزایی است. در سرویس امام مسجد همچون شماره‌های پیشین، به اخلاق کاربردی امام جماعت، آشنایی با یک مسجد موفق و همچنین، گزارش سازمانی از امور مساجد پرداخته خواهد شد.

امام مسجد



مردم را گروگان
نگیریم!



درمانگاه مساجد



پنج وظیفه،
یک معاونت



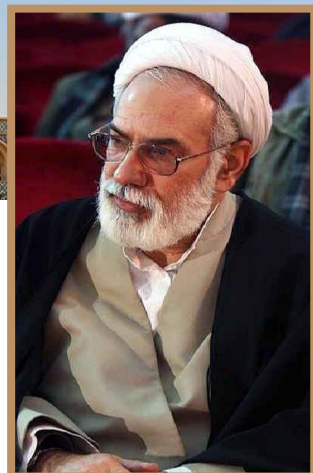
مسجد، کنشگری،
هنر



درمانگاه مساجد

اخلاق کاربردی امام جماعت

حجت الاسلام والمسلمین استاد جواد محدثی | استاد حوزه و دانشگاه



تجهیز آن به:
امام جماعت عادل و آگاه؛
خادم خوش اخلاق و حلیم و خدوم؛
هیئت امنای متخصص و کاردان؛
کادر فرهنگی و تبلیغی جوان و به روز؛
پشتوانه نظم و مدیریت و پاکیزگی؛
و بودجه کافی برای تهیه اقلام مورد نیاز، عامل
موفقیت آن است.
همان طور که بدن ضعیف، اسیر کرونا می شود، روح
ضعیف هم طعمه ابلیس خناس می گردد.

هر مسجد یک درمانگاه است،
و هر امام جماعت، یک طبیب.
نقش این درمانگاه، مداوای ویروس کبر و کینه،
میکروب ریا و تظاهر، عفونت رذایل، غده های
حسد و غرور، تنگی نفس ایمان، بسته شدن
دریچه قلب به روی مواظ، لخته شدن خون
در رگ غیرت، انسداد عروق حیا، و فراگیر شدن
بیماری غفلت است.
این درمانگاه باید مجهز باشد تا از عهده درمان
مراجعان برآید.



نشریه محراب
شماره هشتم

اگر خدمتگزار درمانگاه شبانه‌روزی مساجدیم، حرمت درمانگاه را نگه داریم و آبرو و اعتبارش را زیرسؤال نبریم، وگرنه نه تنها شفا نمی‌بخشیم که بیمارتر می‌کنیم! نه تنها بهبودی نمی‌آوریم، که بیماری‌ها را گسترش می‌دهیم. پیش از طبابت دیگران، طیب خود باشیم.

(جواد محدثی) / آذر ۱۳۹۹

ما در مرحله گذر از «دوره درمان» هستیم. مبدا خودمان که به امداد و مداوا مشغولیم، مبتلای آفات و عوارض شویم! مبدا ناقل ویروس شک و تردید در دل‌ها باشیم! اگر طیب، بیمار شود، بیماران را چه کسی درمان کند؟! اگر درمانگاه، آلوده و غیربهداشتی باشد، چگونه شفابخش مبتلایان گردد؟! اگر سربازان و افسران، میدان را خالی کنند، چه کسی در مقابل هجوم ویروس‌های شبهات و شهوات، ایستادگی کند؟ اگر مسجد، بی‌روح باشد، چگونه به مردم روحیه بدهد؟ اگر واعظ و پیش‌نماز، دستورالعمل‌ها را مراعات نکنند، چگونه مخاطبین و مأمومین و مریدان، به حرف‌های شان اعتماد کنند؟ اعتبار هر درمانگاه، به وضع و رفتارِ کادرِ درمانی است. اگر خدمتگزار درمانگاه شبانه‌روزی مساجدیم، حرمت درمانگاه را نگه داریم و آبرو و اعتبارش را زیرسؤال نبریم، وگرنه نه تنها شفا نمی‌بخشیم که بیمارتر می‌کنیم! نه تنها بهبودی نمی‌آوریم، که بیماری‌ها را گسترش می‌دهیم.

پیش از طبابت دیگران، طیب خود باشیم.

(جواد محدثی)
آذر ۱۳۹۹

عدم مراعات دستورالعمل‌های اخلاقی و بی‌اعتنایی به پروتکل‌ها، عامل انتشار معصیت و ابتلای همگانی به غفلت می‌شود. اگر ایمان قوی شد، اگر مؤمن، مسلح به تقوا و خداترسی گشت، اگر خطر ابتلا به معاصی جدی گرفته شد، می‌توان به روند کاهش تلفات معصیت و بستری‌شدگان مبتلای گناه امیدوار شد. هرکس از راهی دچار می‌شود. امام جماعت، مأموم، خادم، هیئت‌امنا، صندوقدار، مؤذن و مکبر، واعظ و مداح و مسئله‌گو، هرکدام به نحوی در معرض خطرند و باید واکنش‌ها را بگیرند. همه باید مواظب باشند و مراعات کنند. تغذیه روح و تقویت ایمان لازم است تا سیستم معنوی ما از کرونای هوا و هوس آسیب نبیند. اگر مؤمن مسجدی با ورزش روحی، خود را قوی ساخت ایمن می‌گردد. آن وقت، نه خلوتی مسجد، از اخلاص کم می‌کند، نه کمی مستمع، خطیب را بی‌انگیزه می‌سازد، نه فاصله‌های اجتماعی، ما را از خدا جدا می‌کند، نه کاهش سلام و مصافحه و معانقه، دل‌سردی می‌آورد، نه نیامدن بعضی به مسجد، از ارادت امام و مأموم می‌کاهد، نه بی‌رونقی نماز جماعت، یأس و نومیدی می‌آورد، نه تعطیلی جلسه قرآن و دعا و زیارت، سست می‌کند، نه قرنطینه شدن مسجدی‌ها در خانه، آنان را از یاد ما می‌برد.





مردم را گروگان نگیریم!

استاد محمد حسن الهی‌فر | کارشناس رادیو معارف

اخلاق کاربردی امام جماعت

یک شغل می‌شود و دیگر برای ما جایگاه و رفعت ندارد.

■ ۲. به آیت‌الله بهجت عرض کردم: آقا شما برای اقامه نماز دیر تشریف می‌آورید، ایشان می‌فرمود: مردم یک ساعت زودتر به مسجد می‌آیند، یک ساعت هم می‌مانند، این زمینه اینجا فراهم است که مردم طولانی‌تر استفاده کنند. مقید بود حضور مردم را در مسجد، به بهانه‌های مختلف، طولانی‌تر کند؛ با تعقیبات یا ... آن عده‌ای از مردم هم که وقت داشتند می‌ماندند. یک جا این‌گونه است، جای دیگر بازاری‌ها هستند و مردم عجله دارند و می‌خواهند بروند.

■ ۳. امام جماعت باید بداند جایگاهی که در آن قرار گرفته، محل هدایت است. ما الآن در جمهوری اسلامی دو جا داریم که محل هدایت است؛ هیئت

اخلاق یکی از کلیدی‌ترین ابزارها جهت مردم‌داری است. امام جماعتی موفق است که از اخلاق در جهت ایجاد ارتباط سازنده با نمازگزاران بیشترین استفاده را ببرد. در ادامه نکاتی کاربردی در حوزه اخلاق امام جماعت را مرور می‌کنیم:

■ ۱. این‌که انسان بداند و بفهمد که امام جماعت بودن مهم‌ترین جایگاه است. مراجع، همه امام جماعت بودند. آیت‌الله گلپایگانی امام جماعت مسجد آقای گلپایگانی و آیت‌الله بروجردی امام جماعت مسجد اعظم و ... بودند. پس امام جماعت بودن بالاترین مدال است. اگر امام جماعت بودن را مهم‌ترین جایگاه نبینیم، یک مقام سطح پایین به نظر می‌سد و در این صورت نه تنها امام جماعت استفاده نمی‌رساند، بلکه مدیون مردم می‌شود. چگونه مدیون مردم می‌شود؟ امام جماعت بودن



نشریه محراب
شماره هشتم

بین دو نماز نباید حرف زد و مردم را گروگان گرفت، نماز را نباید طول داد، باید ضعیف‌ترین مأمومان را در نظر گرفت. یک جوان به مسجد آمده، شما حمد و توحید را بخوان، حمد و قدر را بخوان، چیز دیگری نخوان.

رجوعشان درب خانه امام جماعت است. البته خانواده همراه هم مهم است.

۷. بین دو نماز نباید حرف زد و مردم را گروگان گرفت، نماز را نباید طول داد، باید ضعیف‌ترین مأمومان را در نظر گرفت. یک جوان به مسجد آمده، شما حمد و توحید را بخوان، حمد و قدر را بخوان، چیز دیگری نخوان. حضرت فرمود: هر سوره‌ای که می‌خواهی بخوانی مثلاً تکاثر، نیت کن و به جایش توحید بخوان. این در کتاب احتجاج طبرسی است. خدا، هم ثواب تکاثر را به تو می‌دهد و هم ثواب توحید را. حق رکوع و سجود و اجزای دیگر را ادا کن، ولی طول نده، نمازها را پشت سرهم بخوان و طولانی نکن، تعقیبات را بعد از نماز عشا طولانی کن که اگر کسی کار دارد و می‌خواهد برود، برود. پنج نفر هم بنشینند و سخنرانی شما را گوش بدهند، آن پنج نفر مثل پنجاه نفرند، ولی اگر پنجاه نفر با ناراحتی بنشینند، پنج نفر هم نیستند.

۸. امام جماعت باید مردم‌داری کند، ارتباط برقرار کند، اصل در امام جماعت بودن، ارتباط است. پیغمبر اکرم هر روز با ورود مردم می‌فرمود: هل المبشرات؟ خواب ندیدید؟ اگر خواب دیدید، برای پیغمبرتان بگویید. اگر کسی نیامده بود، پیامبر حالش را می‌پرسید.

۹. عصاره ولایت فقیه، رسیدگی به مساجد است. رسیدگی به مساجد چیست؟ مواظبت بر امام جماعت خوب است. امام جماعت باید مردم‌داری کند، اهل اختلاف و یکش بکش نباشد، طمع نداشته باشد. در این صورت خدای متعال از ذخیره خود، امام جماعت را تأمین می‌کند و زندگی‌اش را اداره می‌کند.

و مسجد. امام جماعت دارد همه این‌ها را شکل می‌دهد. اگر امام جماعت به وظایفش عمل کند، مسجد می‌شود مسجد آشیک حسین زاهد و مسجد آیت الله بهجت. ولی اگر بی‌توجهی کرد و مسجد را مثل یک اداره، و امام جماعت بودن را شغل فرض کرد، هیچ اتفاق مثبتی نمی‌افتد.

۴. خداوند آقا فخر را رحمت کند، ایشان از اولیا است. آقای بهاء الدینی در مورد آقا فخر می‌فرمودند: ایشان سلمان زمان ما است. آقا فخر می‌فرمود: مساجدی که صبح‌ها در آن باز است، افراد فاسد از آن محله اثاث‌کشی می‌کنند می‌روند، اولیای خدا به آن محله می‌آیند. این‌ها به خاطر مسجدی است که صبح‌ها در آن باز است و نماز می‌خوانند.

۵. نکته بعد این‌که نباید جمعیت برای ما مهم باشد. نماز جمعه با هفت نفر هم نماز جمعه است. ما داریم می‌گوییم شلوغی، شلوغی؛ به شلوغی چه کار داریم؟ شما صبح می‌آیی، شاید چهار نفر بیایند، بسیار خوب! بیایند. مرحوم آیت الله خوشوقت هر روز صبح در مسجد امام حسن مجتبی در شریعتی حاضر بود؛ گاهی ده نفر بودند، گاهی بیست نفر. پس باید مواظبت کرد که صبح‌ها تعطیل نشود.

۶. مردم باید امام جماعت را زودتر در مسجد ببینند؛ یعنی یک ربع، نیم ساعت زودتر بیاید پشت به محراب و رو به مردم بنشیند. مردم سؤال دارند، استخاره دارند، می‌خواهند وصیت بنویسند، امام جماعت می‌خواهد حل اختلاف کند. برخی در امام جماعت بودن، آدم استثنایی هستند. به نظر من باید پیش آنها رفت و فوت‌وفق امام جماعتی را یاد گرفت. محله هر مسئله‌ای داشته باشد محل



مسجد، کنشگری، هنر

مرور فعالیت های مسجد چهارده معصوم ناحیه شهید مطهری

حجت الاسلام محمد حاجی پور | امام جماعت مسجد چهارده معصوم

این اسامی را به صورت بسیار جالبی طراحی کردیم و در مسجد نصب کردیم. این کار روحیه خوبی به عزاداران حسینی و نمازگزاران می دهد.

- سپس در قالب تراکت، اسامی شهدا را نوشتیم و از خواهران و برادران درخواست کردیم در ایام دهه اول محرم برای هر شهیدی یک جزء قرآن و دو رکعت نماز بخوانند به این صورت که اسامی را بین عزاداران که مثلاً هزار نفر برادر و خواهر عزادار هستند، پخش می کنند و هرکس برای هر شهیدی که اسمش برای او افتاد، یک جزء قرآن و دو رکعت نماز می خواند. این در روحیه عزاداری خیلی اثر دارد و معنویت خاصی به عزاداران امام حسین (علیه السلام) خواهد داد.

۳. برپایی نمایشگاه:

- بنده از وقتی روحانی شدم تا به حال، در بحث کارهای نمایشگاهی، در این سی سال تجربیاتی به دست آوردم. در دهه اول محرم یک نمایشگاه بصیرت حسینی در حیاط مسجد برپا می کنیم.

مناسبت های مذهبی ظرفیت بسیار مناسبی جهت فعالیت و کادرسازی در مساجد است. از این رو به اقدامات تجربه شده در ماه محرم و صفر به وسیله مسجد چهارده معصوم (علیهم السلام) جهت استفاده ائمه جماعات محترم اشاره می کنم:

۱. استفاده از ظرفیت کتیبه:

استفاده از ظرفیت همه نمازگزاران گرامی، به ویژه جوانان و نوجوانان از قبل و در آغاز محرم برای نصب کتیبه های ماه محرم و صفر است. این مشارکت دادن، شور و حال و شوقی در آنها ایجاد می کند تا ان شاء الله با همت بیشتری بتوانند در مراسمات شرکت کنند.

۲. استمداد از شهدای کربلا:

- بنده اسامی حدود صد و پنجاه شهید را استخراج کردم که متعلق به شهدای کربلا در واقعه سال ۶۱ هجری است که در جریان کربلا به شهادت رسیدند.



نشریه محراب
شماره هشتم

خدا توفیق داده بنده ماکت‌هایی را با دست خودم درست می‌کنم و واقعه کربلا را به تصویر می‌کشم و خیلی مؤثر است. وقتی نمازگزارها می‌خواهند وارد مسجد شوند از صحن مسجد که عبور می‌کنند آن واقعه را به چشم خود می‌بینند.



مقداری خاکریزی می‌شود و با ماکت نخل درست می‌کنیم. اسب هم خریداری کردیم. خیمه‌گاه، صحنه قتلگاه، یاران امام حسین علیه السلام، نهر علقمه، واقعه کربلا و عاشورا و بعدش اسارت خاندان آل الله را در دهه اول محرم به تصویر می‌کشیم.

- دهه آخر صفر که هم ایام عزاداری اربعین حسینی علیه السلام و هم ایام رحلت جانشوز نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله است، ماکت‌هایی که درست می‌کنیم هم جریان محرم و عاشورا است و هم جریان اسارت خاندان آل الله است که به خرابه شام رفتند که بنده درست کردم. مثلاً گنبد مطهر پیغمبر، خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مانند این هاست، یعنی

خدا توفیق داده بنده ماکت‌هایی را با دست خودم درست می‌کنم و واقعه کربلا را به تصویر می‌کشم و خیلی مؤثر است. وقتی نمازگزارها می‌خواهند وارد مسجد شوند از صحن مسجد که عبور می‌کنند آن واقعه را به چشم خود می‌بینند و حس و حال معنوی خوبی برای نمازگزاران، مخصوصاً نسل جوان دارد. خیلی از افراد از این‌ها فیلم و عکس گرفتند و از طریق فضای مجازی خیلی جاها فرستادند و برای شان تازگی داشته است.

- به وسیله ماکت‌ها صحنه کربلا را به تصویر کشیدیم. برای این کار مثلاً پنجاه متر از فضای حیاط مسجد،





جلساتی دارند. سعی کردیم توانمندی جوانان را شناسایی کنیم. مثلاً جوانان مداح را شناسایی می‌کنیم و در ماه محرم حتماً غیر از مداح‌هایی که مسجد خودش دعوت می‌کند ما از مداح‌های نسل جوان هم دعوت می‌کنیم که این کار، شور و عشقی در جوانان و نوجوانان در ایام محرم ایجاد می‌کند.

۵. نشریه گلبانگ هدایت:

- بنده بیست سال است که در عرصه تولید نشریه در سطح کشور فعالیت دارم. در مسجد ما نشریه‌ای به نام گلبانگ هدایت تولید می‌شود که گاهی به ائمه جماعات منطقه و مرکز رسیدگی به امور مساجد هم دادیم. در تولید نشریه در زمینه‌های مختلف و مناسبت‌های پیش‌رو از مطالب، نقطه نظرات، مقالات و از اشعار مخاطبان به‌ویژه جوانان و نوجوانان عزیز استفاده می‌کنیم. علاقه‌مندان مطالب را از ایتا و سروش برای بنده می‌فرستند و پس از ارزیابی در نشریه استفاده می‌شود. ما سعی می‌کنیم نیمی از مطالب را از

چیزهای مربوط به صدر اسلام را که بالغ بر ده پانزده مدل ماکت است.

- ساخت ماکت‌ها هزینه‌ای بالغ بر ده میلیون تومان داشته‌است. چون وقتی درست شد، یک بار هزینه می‌شود و آن را نگهداری می‌کنیم و سال بعد استفاده می‌شود.

- جنس ماکت‌ها از کارتن و آمیختگی اش با گل و گچ است. بعضی‌هایش طراحی بیشتری نیاز دارد و با مواد پلاستیکی طراحی می‌کنم. اگر ائمه جماعات مایل باشند تجربیاتم را در این زمینه در اختیار قرار خواهیم داد.

- کار خوبی است؛ ساخت ماکتش تقریباً بالغ بر چهل روز الی دو ماه، وقت من را گرفت تا مثلاً بیست ماکت درست کردم. سال گذشته تلفیقی از پایان ماه صفر با هفته دفاع مقدس بود. چون هفته دفاع مقدس هم بود، ماکت عملیاتی تانک و توپ و دیگر چیزها را درست کردم که استقبال بسیار زیادی شد.

۴. جذب جوان‌ها و نوجوان‌ها:

معمولاً جوان‌ها و نوجوانان خودشان گروه‌ها و

۸. ایستگاه صلواتی:

برای این‌که جوان‌های ما برای محرم شور و شوق داشته باشند، بعد از عید غدیر، فعالیت‌هایی مانند برپایی ایستگاه‌های صلواتی، تدارک یک اردوی زیارتی مشهد جهت تجدید قوا داریم. اردوی مشهد قبل از محرم است که نوجوانان و جوانان مسجد و محله، چهار پنج روز قبل از محرم برمی‌گردند.

۹. پیاده‌روی اربعین:

در چند سال اخیر سعی می‌کنیم مردم را برای پیاده‌روی اربعین تشویق و ترغیب کنیم. مقداری از کمک‌هزینه را مسجد و خیرین می‌دهند که مخصوصاً جوانان عزیز ما بتوانند در پیاده‌روی اربعین امام حسین علیه السلام هم شرکت کنند.

۱۰. پاسخ به سؤالات و شبهات:

- امروز اگر می‌خواهیم در جامعه اسلامی موفق عمل کنیم باید به شبهاتی که در جامعه هست، پاسخ بگوییم.

- یک امام جماعت می‌تواند چند نفر از مؤمنان را به‌عنوان گروه مشاور خودش در نظر بگیرد و شبهاتی را که در اطراف مسجد و در محله وجود دارد شناسایی کند.

- یک شب در مسجد به‌عنوان پاسخ به شبهات در نظر گرفته شود. اگر حتی این کار را نمی‌کنند، در سخنرانی‌هایی که داریم، به شبهات پاسخ بگوییم. ما ماه محرم می‌خواهیم ده بیست شب پشت سرهم مراسم داشته باشیم و سخنرانی کنیم، پنج دقیقه هم یک شبهه مطرح کنیم و پاسخ بدهیم، ان شاء الله مؤثر است.

نسل جوان و نوجوان و بزرگ‌ترهایی که در مسجد ما هستند اعم از استاد دانشگاه و مانند آن با مدرک دکتری و... استفاده کنیم و نیمی دیگر از مطالب را بنده با توجه به نیاز جامعه مخاطب در نشریه منعکس می‌کنم.

- همزمان با نشریه در فضای مجازی، مسائل نشریه و مورد نیاز مخاطب را در قالب کلیپ، شعر، حدیث و مانند آن پیگیری می‌کنیم.

- قبلاً نشریه را با فتوشاپ طراحی می‌کردیم، اما الان با فضای ورد که کار با آن ساده است، طراحی می‌کنم. از آنجا که تقریباً حدود نود درصد ائمه جماعات با کامپیوتر و فضای ورد آشنا هستند، اگر بخواهند، می‌توانند به راحتی نشریه‌ای را با ورد صفحه‌چینی کنند. نشریه‌ای که ما چاپ می‌کنیم فعلاً در قطع A۳ است که چهار صفحه می‌شود و ماهنامه است.

۶. تولید روزنامه دیواری:

یک روزنامه دیواری هم داریم که در مناسبت‌ها، هم در قسمت خواهران و هم در بخش برادران نصب می‌کنیم.

۷. فضای مجازی:

در کنار فعالیت‌های دیگر، در فضای مجازی ایتا و سروش در کانالی با نام گل‌بانگ هدایت لاقل هر روز پنج مطلب می‌گذارم؛ مطالب مختلفی از سایت‌ها و کانال‌ها با ذکر منابعش می‌گذارم. حدود سیصد نفر عضو کانال هستند. این نیز کار خوبی است، مخصوصاً در ماه محرم و صفر فعال‌تر می‌شود.



پنج وظیفه، یک معاونت

آشنایی با وظایف معاونت اجرایی مرکز رسیدگی به امور مساجد

مهندس رضا اعرابی | معاون اجرایی مرکز رسیدگی به امور مساجد

۲. مدیریت اداری:

درواقع امور پرسنلی اعم از احکام، برآورد حقوق برابر با ضوابط اجرایی و موازین و مقررات، ارتقای کارکنان، مرخصی‌ها، مأموریت‌ها و همه مسائل اداری که مربوط به کارکنان مرکز می‌شود، در این مدیریت انجام می‌شود.

۳. مدیریت پشتیبانی:

تأمین مصارف و کارهای جاری مرکز اعم از برگزاری جلسات، تجهیزات، تعمیرات، تأسیسات، رفت و آمد و حتی امور نظافت، هم در ستاد و هم در نواحی به وسیله مدیریت پشتیبانی پیگیری می‌شود. دو مدیریت دیگر یعنی مدیریت فنی و مهندسی و مدیریت تکریم تا حدودی وظیفه و رویکرد و ماهیت کاری‌شان متفاوت است. اینها درواقع مدیریت‌هایی است که ما در ارتباط با مساجد با آنها وظیفه و نقطه تماس داریم.

۴. مدیریت فنی و مهندسی:

در رابطه با مدیریت فنی مهندسی وظایف زیر تعریف شده است:

- یک بحث ساخت و ساز مساجد است؛ که مرکز درواقع امکان و بودجه را برای این کار ندارد و این وظیفه هم برای او تعیین نشده است، منتها از طریق شهرداری و شورای توسعه و گسترش مساجد انجام وظیفه می‌کند. رئیس محترم مرکز در آن شورا حضور دارند و ساخت مساجد، تعمیرهای اساسی، و بازسازی‌های اساسی مساجد را رصد می‌کنند و در آن جا نظراتشان را اعلام می‌کنند و با جمع‌بندی و نظر ایشان درواقع برای بازسازی مساجد و

معاونت اجرایی پنج وظیفه دارد: مدیریت مالی؛ مدیریت اداری؛ مدیریت پشتیبانی؛ مدیریت فنی مهندسی و مدیریت دفتر تکریم.

۱. مدیریت مالی:

در رابطه با مدیریت مالی چند وظیفه را می‌توان برشمرد:

- معاونت اجرایی درواقع گردش امور مربوط به مسائل مالی و اداری و ریالی مجموعه را انجام می‌دهد.

- امور مالی وظیفه‌اش انجام هزینه‌ها، مبادله موافقت‌نامه‌ها و غیره است. در امور مالی، تأمین منابع انجام می‌پذیرد و در صورتی که با آنچه داریم بتوانیم هزینه برنامه‌ها را پشتیبانی کنیم، تأمین مالی صورت می‌گیرد. این مدیریت تلاش می‌کند برنامه‌های محتوایی که معاونت‌ها و سایر دفاتر و مدیریت‌های مستقل دارند در طول سال به انجام برسد و مشکلی پیش نیاید.

- سامان دادن به حقوق و مزایای کارکنان و مسائل رفاهی آنان نیز در این مدیریت پیگیری و انجام می‌شود.

- وجه مشترک کار نواحی با کار ستاد این است که کار آنها نه از نظر مالی و نه از نظر اداری و نه از نظر پشتیبانی، تفاوتی ندارد. درواقع مدیریت مالی، اداری و پشتیبانی صرفاً کار ستادی دارند. با این بیان مدیریت امور مالی در مورد پشتیبانی‌ها و حمایت‌های مختلفی که از مساجد می‌شود و نیاز به هزینه کردن دارد نیز انجام وظیفه می‌کند.

وظیفه دیگر مدیریت فنی مهندسی موضوع تیپ برای معماری مساجد است که به صورت تخصصی روی آن کار شده است. مرکز در این زمینه کتاب جامعی تألیف نموده.

می دهد که مثلاً بنا به سازه مسجد، شما با این تغییر و استفاده از این مصالح می توانید مشکل را حل کنید. مشورت بعدی این است که جهت تعمیر و رفع عیب، برآورد هزینه می دهد. در مرحله بعد، این اظهار نظر کارشناسی در کمیته ای به نام کمیته حمایت از عمران مساجد، که اعضای آن را رئیس محترم مرکز تعیین می کند، بررسی می شود و به میزانی که مرکز توان مالی دارد و به تناسبی که آن مسجد نیاز دارد، یک اعتبار برای شان در نظر گرفته می شود. این اعتبار به حساب آن مسجد واریز می شود. پس از تعمیر و ترمیم مسجد، دوباره یک نظارت پسینی به وسیله مدیریت فنی مهندسی صورت می گیرد.

- وظیفه دیگر دفتر فنی مهندسی این است که به تناسب پولی که مرکز دارد، مساجد و مناطق کم برخوردار یا مناطقی که می خواهند مسجدی بسازند، با ورود کارشناسی شده، خود مرکز طرح و نقشه و معماری و کارهایش را در شهرداری و ... انجام می دهد. البته همان طور که عرض شد درواقع این کار عمومیت ندارد و یکی به میزان بودجه مرکز بستگی دارد و دیگر این که مربوط به مناطق خیلی کم برخوردار است. این کار را هم درواقع مرکز انجام می دهد.

- وظیفه دیگر مدیریت فنی مهندسی موضوع تیپ برای معماری مساجد است که به صورت تخصصی روی آن کار شده است. مرکز در این زمینه کتاب جامعی تألیف نموده که جلد اولش چاپ شده و ما به شهرداری ها، دانشگاه ها، استانداردها دادیم و خیلی مورد استقبال قرار گرفت. روی این قضیه هم ما کار می کنیم که اصولاً برای طراحی و

همچنین برای احداث مساجدی که ساخت آنها در شورا تصویب می شود، بودجه و اعتبارات قابل توجه و چند میلیاردی تعلق می گیرد. مرکز نیز ذی مدخل است، هم در تعیین و هزینه کردن آن، هم این که به هر حال مرکز، طرف مشورت و مذاکره است.

- یکی دیگر از وظایف مدیریت فنی مهندسی، بررسی و کارشناسی نیازهایی از جنس تعمیر و بازسازی مساجد است. گاهی مسجد تعمیرات جزئی نیاز دارد مثلاً سرویس بهداشتی احتیاج به بازسازی دارد، سقفش ایزوگام می خواهد، قسمتی از شبستان مسجد نیاز به تعمیر و مرمت جزئی دارد که دراین صورت امام جماعت محترم مسجد یا هیئت امنا به نواحی یا رئیس محترم مرکز نامه می نویسند که مسجد ما دارای مشکل ساخت و بنا شده و احساس می کنیم که مثلاً در این نقطه ممکن است خطری پیش بیاید. در این مرحله کارشناس های ما به آن جا می روند و بررسی می کنند که مثلاً این مسجد نیاز به مقاوم سازی دارد یا باید تخریب شود یا الآن اصلاً صلاح نیست کسی وارد آن بشود. برای مثال مساجدی داشتیم که بعد از کارشناسی های دفتر فنی و مهندسی تصمیم بر این شد که در مسجد بسته شود و اصلاً مجوز ندادیم که کسی وارد آن مسجد بشود. به ناحیه و امام جماعت ابلاغ کردیم تا یک کار اساسی برای آن بشود. یکی از کارها درواقع کارشناسی ها و بررسی های اساسی مربوط به سازه های مساجد است که در دفتر فنی و مهندسی صورت می گیرد. پس از نامه درخواست مسجد، دفتر فنی و مهندسی ابتدا این درخواست ها را بررسی و کارشناسی می کند. سپس دو کار انجام می دهد، اول این که مشورت



در دفتر فنی مهندسی یک شورایی داریم که از مهندسان معمار و مسجدا ساز با سابقه و مجرب تشکیل شده و مشورت های لازم را به مساجد می دهند. این خدمات و این امکانات را از طریق این دفتر در اختیار دورافتاده ترین روستاها هم می گذاریم.

و اقتضائات، خانواده امام جماعت از امکانات عمومی که جامعه استفاده می کند، محروم باشد. در طول سال مکان های مناسبی برای استفاده تفریحی و سیاحتی آقایان با خانواده های شان در نظر گرفته می شود. امکانات تفریحی فرهنگی فراهم کردیم و پذیرایی می شوند که می شود اسمش را اردوی یک روزه گذاشت، منتها در محیط مناسب با امکانات رفاهی مناسب.

- در ارتباط با خدمات فرهنگی تبلیغی دوازده سیزده استخر را با یک پراکنش جغرافیایی مناسب که آقایان دسترسی داشته باشند و پراکنش زمانی مناسب در طول هفته تا قبل از کرونا هماهنگ کرده بودیم که در ایام کرونا متوقف شد. اما هم اکنون به خاطر مضیقه هایی که داریم با تعداد کمتر خدمت رسانی می شود، اما قطع نشده و همچنان ادامه دارد.

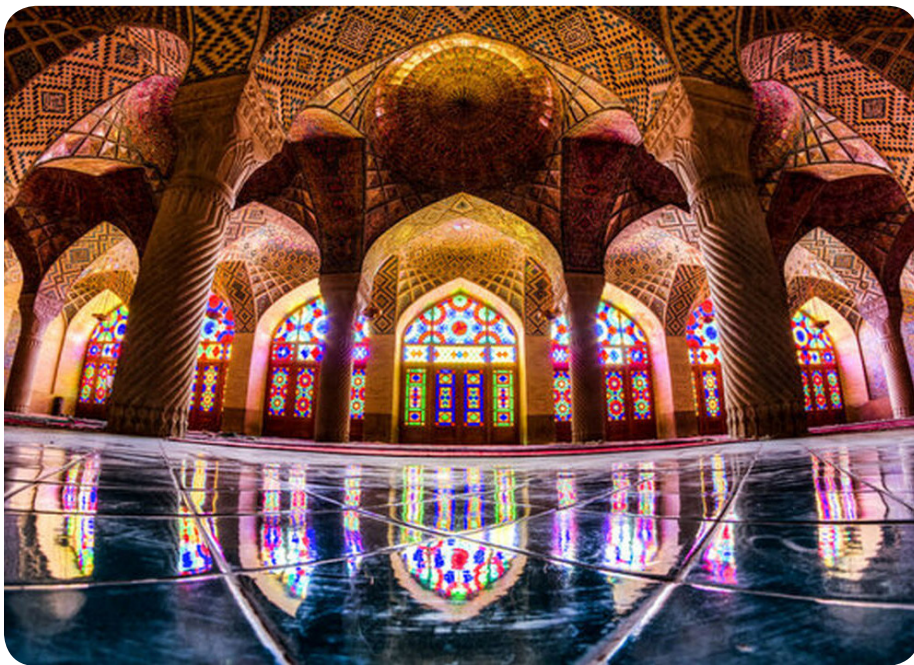
- حمایت دیگر زمانی است که اتفاقی در زندگی امام جماعت محترم می افتد و در شرایطی قرار می گیرد که نیاز به حمایت دارد. در این صورت مرکز خودش مستقیم یا از طریق ارتباط گیری با مراکز و دستگاه هایی که در این زمینه وظیفه دارند، حمایت و پشتیبانی می کند. در این شرایط ائمه محترم جماعات، نامه می نویسند، مسائل و مشکلاتشان را با مدیر ناحیه یا رئیس مرکز در میان می گذارند. رئیس محترم یا معاونت اجرایی نامه را جهت بررسی و انجام اقدامات مقتضی به مدیر محترم دفتر تکریم ارجاع می دهند. بررسی ها، اطلاعات، مقدمات خیلی جامع در کمیته تکریم انجام می شود. اعضای این کمیته را، که جایگاهشان بعضی به صورت حقوقی است و

معماری مساجد یک تیپ واحد، نه نقشه واحد، عنایت بفرمایند. منظورمان این نیست که ما یک نقشه واحد بدهیم و بگوییم نقشه این مسجد این است و این هم معماری اش است؛ نه، کلیات و اصول در آن گفته می شود. اقتضائات، هم از نظر مترژ، هم نوع هندسه زمین موجود با توجه به آن اقتضائات، ولی با این اصول کلی مساجد ساخته میشوند. برای این کار در دفتر فنی مهندسی یک شورایی داریم که از مهندسان معمار و مسجدا ساز با سابقه و مجرب تشکیل شده و مشورت های لازم را به مساجد می دهند. این خدمات و این امکانات را از طریق این دفتر در اختیار دورافتاده ترین روستاها هم می گذاریم.

۵. دفتر تکریم:

نکات زیر در مورد دفتر تکریم مورد توجه است: - در سال ۱۳۹۰ حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای حاج علی اکبری تشریف آوردند. اولین دغدغه شان این بود که ائمه جماعات به لحاظ معیشت و گرفتاری های زندگی شان، از ناحیه مرکز در هر سطح از امکانات و مقدمات حمایت بشوند. در حال حاضر هم رئیس محترم مرکز در زمینه حمایت همه جانبه از ائمه جماعات محترم مرکز، تأکید و اهتمام جدی دارند و الحمدلله این رویکرد باقوت ادامه دارد.

- یکی از حمایت ها در زمینه برنامه های فرهنگی و تفریحی است که ائمه جماعات و خانواده های شان باید در این زمینه حمایت شوند. این حمایت در صورتی است که حتی ممکن است در این شرایط بنابه محدودیت ها



ولایت» مصادف شد که تحت پوشش مرکز خدمات حوزه‌های علمیه است. از این جا به بعد، با آن جا وارد قرارداد شدیم و بدون این که وجهی از آقایان برای اقامت در هتل دریافت کنیم به نوبت در سال با یک آیین نامه این امکان برای شان فراهم می شود که با خانواده‌های محترمشان بروند و از امکانات این هتل و اقامت در آن، که در مجاورت حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است، استفاده کنند. از همین مجموعه ولایت چهار پنج سال قبل، مجموعه‌ای در عباس آباد مازندران افتتاح شد که با آن جا هم طرف قرارداد هستیم و مرکز، آن جا امکانی را مهیا کرده که آقایان با خانواده‌های شان تشریف ببرند و از آن امکانات هم استفاده کنند.

بعضی حقیقی هستند، رئیس مرکز تعیین می کند. در این کمیته معاون اجرایی، مدیر دفتر تکریم، مدیر حوزه ریاست، معاونت جذب و آموزش، مدیر هماهنگی نواحی و مشاور ریاست حضور دارند. مساعدت ها طبق آیین نامه بررسی و انجام می شود و گاهی هم بدون برگشت و بلاعوض است. در این کمیته تصمیم گرفته می شود برای حل مشکل امام جماعت با کدام دستگاه ارتباط گرفته شود.

- در ارتباط با سفرهای سیاحتی زیارتی از همان ابتدا بحث مشهد را داشتیم. به شکل های مختلفی مطالعه کردیم که خوشبختانه همان سال های ۹۰-۹۱ با شروع به کار مجموعه «فرهنگی اقامتی

توجه به دختران و تفاوت آنها با پسران، ثمرات تربیتی و کارکردی بسیاری دارد. جامعه ما، نیازمند آن است که بازخوانی جدیدی نسبت به شناخت دختر داشته باشد. کمبود مهارت پدران و مادران در ارتباط‌گیری مؤثر با دخترانشان، همچنین کمبود امکانات تفریحی برای دختران و غیره، از جمله مواردی است که به فرهنگ دخترپروری ضربه زده است. پرونده دخترانه می‌کوشد تا درباره الزامات تربیتی دختران، سؤالات پرتکرار دخترانه و حضور اجتماعی دختران را گفتگو کند.

دخترانه



دخترانه تربیت کنیم!



که نقشی نو در اندازیم



دختران چه سؤالاتی
از ما می‌پرسند؟



تربیت دخترانه چیست؟



برکرانه کرامت



دختران چه سوالاتی از ما می پرسند؟

صورت بندی سوالات دخترانه متوسطه دوم

محمدصادق منتظری | پژوهشگر علوم تربیتی

۶۴

نشریه محراب
شماره هشتم

آیا تا کنون در مدرسه دخترانه متوسطه دوم حاضر شده‌اید؟ معمولاً دختران چه سؤالاتی از یک روحانی، معلم بینش اسلامی، مربی پرورشی و ... می‌پرسند؟ سؤالات زیر نمونه‌ای از پرسش‌های دخترانه است:

- چرا همیشه و همه جا حتی در قرآن، برتری با مردها است؟
- چرا گاهی احساس می‌کنم دنیا دارد روی سرم خراب می‌شود، احساس خفگی می‌کنم و دوست دارم گریه کنم؟
- چرا ما دخترها این همه ضربه پذیر هستیم و پسرها پوست کلفت هستند؟
- چرا حق زن در جامعه کم است؟
- چرا ما باید در خانه و جامعه پاسوز پسرها شویم؟
- چرا بعضی وقت‌ها از دختر بودنم احساس ضعف می‌کنم؟
- چرا پدر و مادرها بیشتر به دخترها گیر می‌دهند؟
- چرا اکثر امکانات برای پسرهاست؛ امکانات ورزشی و امکانات تفریحی، در مسجد بهترین جا و امکانات برای مردان است؟
- چرا خدا وقتی می‌خواست من را خلق کند از من نپرسید دختر باشم یا پسر؟ اگر پرسیده بود می‌گفتم: می‌خواهم پسر باشم!
- سؤالات دخترانی که خواستگاه مذهبی دارند با دخترانی که نیمه مذهبی هستند، تفاوت‌های شکلی دارد. به طور مثال دختران مذهبی بیشتر این سؤالات را می‌پرسند:
- چرا برادرم هروقت دلش می‌خواهد از خانه بیرون می‌رود و هروقت بخواهد، حتی آخر شب، به خانه می‌آید اما من محدودیت دارم و باید قبل از مغرب

- خانه باشم وگرنه باید جواب پس بدهم؟
- چرا برادرم به راحتی می‌تواند اردوی جهادی، مشهد، پیاده روی اربعین و ... برود، اما من باید هزاران خواهش و تمنا کنم، تازه با هزار شرط و شروط، شاید اجازه رفتن تا شاه عبدالعظیم را به من بدهند؟
- چرا حق ازدواج من با پدرم است اما برادرم با هرکس که بخواهد می‌تواند ازدواج کند؟
- برخی از سؤالات دختران نیمه مذهبی را مرور می‌کنیم:
- دوست دارم سوار موتور بشوم اما فامیل‌ها و همسایه‌ها با تعجب به من نگاه می‌کنند. مگر فرقی دارد که دختر پشت فرمان بنشیند یا پسر؟
- چرا دخترها نمی‌توانند آواز بخوانند و یا کنسرت برگزار کنند؟
- چرا دیه زن نصف مرد است، آیا این عدالت است؟
- ازدواج مساوی است با بیگاری کشیدن از زن. چرا باید ازدواج کنم؟
- به نظر من استقلال مالی اولویت اول است و اولویت دوم، ازدواج و بچه دار شدن. چرا دست زن باید در جیب شوهرش باشد؟

تحلیل سؤالات

■ پرسش‌های فوق، طبیعی‌ترین سؤالاتی است که دختر نوجوان از خود، پدر و مادر و مربی یا معلمش می‌پرسد. این سؤالات متأثر از زیست فرهنگی، کمبود شناخت از استعدادها و قابلیت‌ها، حس استقلال طلبی، حس شناخت دوباره و بازتعریف خود و ... است. البته باید توجه داشت که عدم پاسخگویی عاقلانه و منطقی به پرسش‌های فوق،



هویت‌یابی مساوی است با بازتعریف از خود، شناخت استعدادها، جنسیتی، شناخت هویت انسانی، شناخت نقش‌هایی که تکویناً برای جنس مؤنث تعریف شده است (نقش دختری، نقش همسری، نقش مادری و نقش اجتماعی). این سؤالات، بازتعریف مسئولیت‌های تکوینی‌ای است که برعهده جنس مؤنث گذارده شده است. مسئولیت‌هایی مانند:

- مسئولیت سکونت و آرامش محیط خانه و خانواده به عنوان دختر، همسر و مادر؛
- مسئولیت تربیت در محیط خانه؛
- مسئولیت صیانت از عرض و آبروی خانواده و جامعه.

■ تعریف مردانه از هویت زنانه، تعریف حقوق زنان براساس متغیرهای مردانه، عدم توجه به جنسیت و فیزیولوژی زن در سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری مردانه برای زنان، تقویت سهم امکانات به نفع مردان و... پرسش‌های فوق را از مرز سؤال به وادی شبهه می‌برد. نگاه واقع‌بینانه به جنس مؤنث و اقتضائات دختر نوجوان کمک بسیاری به مواجهه دختران با سؤالات فوق می‌کند.

نوجوان دختر را در بازی بی‌پایان مقایسه با جنس مکملی. که اساس نقش‌آفرینی‌اش در عالم هستی با او متفاوت است. قرار می‌دهد. سرانجام این مقایسه رسیدن به حس ناخوشایند نارضایتی از مؤنث بودن خواهد بود که متأسفانه در طیفی از زنان و دختران مشاهده می‌شود. این حس، چه ریشه در رفتارها و سنت‌های غلط اجتماعی داشته باشد و چه ریشه در عدم توجه بانوان به داشته‌ها و استعدادها و توانمندی‌های خود داشته باشد و چه معلول عوامل فیزیولوژیکی و تفاوت‌های جسمی باشد، بر رضایت‌مندی بانوان از زندگی و هدف‌گذاری‌های ایشان و پذیرش نقش‌های تکوینی و اجتماعی متناسب با آن هدف‌گذاری‌ها، اثر خواهد گذاشت. همچنین از کارآمدی، توان و بهره‌وری زن در انجام مأموریت‌ها و رسالت‌هایش خواهد کاست. ریشه این معضل، عدم شناخت ظرفیت‌های عظیم در وجود زنان و عدم توجه به نگاه ویژه‌ای است که خداوند در عالم هستی به زن داشته است.

■ سؤالات فوق معمولاً در فصل نوجوانی و آغاز هویت‌یابی نوجوان دختر طرح می‌شود.





که نقشی نو در اندازیم

تحلیلی بر نقش آفرینی اجتماعی زن مسلمان

سعید فخرایی | پژوهشگر حوزه زنان

تفاوت‌های جنسیتی و تأثیر آن بر نقش‌های جنسیتی ازجمله موضوعات بسیار مهم دنیای امروز است. محدوده حضور اجتماعی زن، جایگاه زن در اجتماع، نسبت فعالیت زن امروز در خانه و جامعه، نظام ارزش و اولویت در مورد حضور زن در خانواده یا جامعه و ... ازجمله موضوعات پیرامونی نقش‌های جنسیتی می‌باشد. در این نوشته سعی کردیم نظر سه اندیشه‌ورز در حوزه زن و خانواده را طرح کنیم و با نگاه تحلیلی، به شناخت نقش اجتماعی زن مسلمان امروز بپردازیم.

قابلیت‌های تولید مثل، قدرت بدنی و امیال جنسی از دیدگاه اسلام تردیدناپذیر است، اما اسلام نمی‌پذیرد که تفاوت‌های فطری و طبیعی زن و مرد، به‌ویژه تفاوت در قدرت جسمی و نیز اقتضائات بارداری و زایمان و شیردهی، به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر زنان را به فعالیت‌های محدودتر و نیازمند تحرک کمتر سوق دهد و به حمایت‌های مردانه وابسته سازد.

احادیث بسیاری بر جنبه‌های ارادی و اختیاری تفکیک جنسیتی نقش‌ها دلالت دارند؛ احادیثی که نقش‌های مادری و همسری را نقش‌های برتر زنان معرفی کرده‌اند.^۱ از میان نکاتی که در نظریه‌های روان‌شناسی فردی و اجتماعی، کانون توجه قرار گرفته، یادگیری نقش‌های جنسیتی از راه همانندسازی کودک با والد همجنس خود و نیز شرطی‌سازی کودک به کمک پاداش و تنبیه،

حجه الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان

عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



به نظر شما تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد و اقتضائات عاطفی زنان، باعث تضعیف کارکردها و نقش‌ها برای زنان می‌شود؟

تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در سه محور

که با پذیرش نقش‌های اجتماعی جدید، گرفتار فشار دوچندان کار می‌شوند. حمایت عاطفی زن و مرد از یکدیگر در محیط خانه تحت الشعاع خستگی کار قرار می‌گیرد.

دکتر فریبا elasوند

عضو هیئت علمی پژوهشی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان



چه شد که جامعه زنان دست به تغییر الگو در نقش‌پذیری اجتماعی زد؟

تقسیم‌بندی حوزه فعالیت مردان و زنان در خانه و خارج از خانه، جزء مفروضات دوره‌های گذشته بوده است. این موضوع اکنون به‌منزله موضوعی پژوهشی انتقادی، کانون توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، زیست‌جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی است. بیشترین سهم در تبدیل این موضوع به یک مسئله با رویکرد پژوهشی از آن فمینیست‌ها است. کوشش آنان بر نفی رابطه مستقیم جنس و نقش، متمرکز بوده است. در مجموع می‌توان پذیرفت که کوشش‌های فمینیستی، مفروضات علوم مختلف را درباره نقش‌های جنسیتی در کانون تردید

نکته‌هایی است که از نگاه دینی می‌توان آن را مسلم انگاشت.

علامه طباطبایی احساسات لطیف‌تر زنان و غلبه اندیشه‌ورزی در مردان را به عوامل فیزیولوژیک مانند کوچک‌تر بودن اندازه مغز زن و ضعیف‌تر بودن قلب، شریان‌ها، اعصاب و عضلات وی در مقایسه با مرد مرتبط می‌شمارند.^۲ با این‌همه حتی اگر این فرض را نظر قطعی اسلام بدانیم، تأثیر زیست‌شناسی را غیرجبرگرایانه تلقی می‌کنیم، به این معنا که در حوزه عواطف و ادراکات، زن و مرد صرفاً دارای برخی استعدادهای طبیعی متفاوت‌اند که چگونگی فعلیت یافتن آنها تا حدی به اوضاع اجتماعی بستگی دارد. پس اگر دخالت عوامل بیرونی در کار نباشد، این استعدادها به فعلیت می‌رسند و تفاوت‌هایی را هرچند اندک بین زن و مرد به بار می‌آورند، اما با تغییر و تصرف در الگوی رشد شخصیت دختران و پسران، می‌توان برخلاف جهت آن استعدادهای طبیعی حرکت کرد، اگرچه از نظر ارزشی، اسلام این جهت‌گیری را مردود می‌شمارد.

تغییر نقش‌های جنسیتی دارای پیامدهای منفی است؛ پیامدهای فردی منفی همچون بیماری‌های جسمی و روحی و از پیامدهای منفی خانوادگی می‌توان به طلاق اشاره کرد. زنان مجردی که به امید پیشرفت مادی، نقش‌های شغلی مردانه همچون کار تمام‌وقت را مقدم داشتند، از ازدواج خودداری می‌کنند و با گذر از دوران جوانی و از دست دادن فرصت‌های مناسب برای تشکیل خانواده، رفته‌رفته دچار سرخوردگی و احساس نارضایتی می‌شوند. گروه دوم زنان متأهلی هستند

قبل از پرداختن به نقش اجتماعی زنان لازم است به تبیین انگیزه‌های شخصی حضور اجتماعی زنان در جامعه پردازیم. بنابر استقرائات صورت گرفته می‌توان اهداف و انگیزه‌های زنان برای حضور در اجتماع را به چند دسته تقسیم کرد.

زنانه و بر شیوه زندگی شماری از مردان و زنان در ارائه نقش‌های شان اثر گذاشته است اما نظریات قاطعی را جایگزین نظریات پیشین نکرده است. به نظر می‌رسد کلیشه‌شکنی در حوزه نقش‌ها از آنجا آغاز شد که خانه و اجتماع نه تنها دو عرصه متفاوت، بلکه دو عرصه متضاد معرفی شدند. نظریه فمینیستی که جایگاه زن را در اجتماع تعریف می‌کند در برابر نظریه‌ای ایستاد که جای زن را فقط در خانه می‌دید.

از خلال مباحث جامعه‌شناختی سه دیدگاه برای تبیین خاستگاه تقسیم کار جنسیتی به دست می‌آید: ۱. طبیعت؛ (محدودیت‌ها و توانایی‌ها) ۲. فرهنگ و اجتماع؛ که نظریه فمینیستی در این راستا قدم برمی‌دارد. ۳. صنعتی شدن؛ توسعه صنعتی و تکنولوژی در گذر عمر خویش آثار متضادی بر زندگی زنان، مردان و خانواده گذاشته است. مسئله تقسیم نقش براساس جنسیت از محورهای مهم اثرگذاری توسعه صنعتی است.

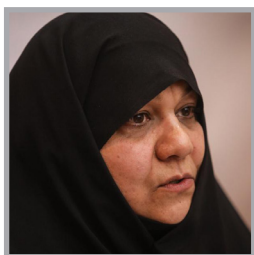
در بحث اشتغال زنان لازم است بدانیم علاوه بر نظریه پردازی فمینیستی که با هدف از میان برداشتن تفکیک نقش‌ها براساس جنسیت، از اشتغال زنان حمایت می‌کند، عوامل دیگری هم وجود دارد که عبارتند از:

۱. پذیرش اجتماعی کار برای زنان هرچند به بهای تحلیل توان و از بین رفتن ظرافت‌های زنانه آنان؛
۲. امکان پرداخت مزد کمتر برای کارمندان به زنان؛
۳. تغییر الگوی‌های مهم شغلی در نظام اقتصادی جدید (مهارت‌های ارتباطی زنان و همچنین جذابیت‌های جنسیت زن) و امتیاز قرار دادن برای

۴. انعطاف‌پذیری زنان در مقام نیروی کار.

سرکار خانم زهرا آیت‌اللهی

فعال در حوزه زن و خانواده



شاخصه‌ها و شرایط مشارکت اجتماعی زنان در جامعه امروز را چگونه تعریف می‌کنید؟

قبل از پرداختن به نقش اجتماعی زنان لازم است به تبیین انگیزه‌های شخصی حضور اجتماعی زنان در جامعه پردازیم. بنابر استقرائات صورت گرفته می‌توان اهداف و انگیزه‌های زنان برای حضور در اجتماع را به چند دسته تقسیم کرد. برخی با توجه به استعدادها و توانایی‌ها در زمینه‌های علمی، مهارتی، عملی و ... می‌خواهند از این استعدادها به بهترین شکل بهره ببرند. از نظر آنها ماندن در خانه موجب از بین رفتن این استعدادها خواهد شد، از طرفی قائل‌اند که جامعه به این استعدادها نیاز مبرم دارد. شغل‌هایی مانند پزشکی، پرستاری، معلمی، پژوهشگری و ... که در بسیاری اوقات

در مشارکت اجتماعی زنان، دین شرایطی را قرار داده است. این شرایط به معنای محدود کردن زن نیست، بلکه دلیل بر جایگاه رفیع او می باشد.

روزی هنگام درس دادن با این زن شوخی می کند و می خندد و فضای خوبی ایجاد نمی شود. وقتی نزد امام صادق (ع) می رود، ایشان می فرماید: به آن زن چه گفتی؟! فرد خجالت می کشد و سرش را پایین می اندازد. حضرت می فرمایند: دیگر رابطه را قطع کن. نکته این جاست که حضرت، مخالف تدریس برای زنان نیستند بلکه می فرمایند مراقب باش تا فضا عقیفانه باشد.

شرط دوم، اولویت گذاشتن به نقش های خانوادگی است. حضور اجتماعی زنان اگرچه مهم است، اما نقش منحصربه فرد زنان که در آن جا می تواند تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد، حضور مؤثر در داخل خانه و در نسبت با سایر اعضای خانواده است. مشارکت اجتماعی زن نباید محلّ تأثیرگذاری او در خانواده باشد. نقشی که زن در خانواده دارد، مرد ندارد. این یک واقعیت است. این سخن به معنای نادیده گرفتن مردان در خانواده نیست، بلکه مردان در خانواده خیلی تأثیرگذارند. زن در خانه با پنج شش انسان سروکار دارد. اگرچه به ظاهر زن، بچه را تعویض می کند، به بچه شیر می دهد، لباسش را عوض می کند، در مشق به او کمک می کند، اما نباید یادش برود که انسان تربیت می کند؛ انسانی که جامعه را تغییر می دهد و به جامعه جهت می دهد. جمله زیبایی مشهور است که می گوید: نام مردان در تاریخ زیاد ثبت شده است ولی نام زنان در تاریخ کم است، اما یادمان نرود که مردان تاریخ ساز را زنان ساخته اند.

پی نوشت ها:

(۱) محمد بن حسن حَزّ عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۱۱۵-۱۲۳.

(۲) سید محمد حسین طباطبایی، زن در قرآن، ص ۵۵.

مخصوص بانوان است و باید از آنها در این شغل ها استفاده شود. برخی به دلیل نیاز مادی و وضعیت بد اقتصادی وارد فعالیت های اجتماعی می شوند. عده قابل توجهی از بانوان به دلیل فوت سرپرست خانواده و یا مشکلاتی از این قبیل مجبور به حضور در اجتماع و برعهده گرفتن نقش های اجتماعی می شوند. برخی نیز بدون توجه به استعداد های شان و نیاز جامعه و بدون نیاز مبرم مالی، دست به فعالیت هایی زده اند که نه برای خودشان و نه برای جامعه مفید است.

در مشارکت اجتماعی زنان، دین شرایطی را قرار داده است. این شرایط به معنای محدود کردن زن نیست، بلکه دلیل بر جایگاه رفیع او می باشد. شرط اول، عدم ارتباط با نامحرم است. مرز ارتباط با نامحرم و دوری از اختلاط بی جا و حفظ حجاب از شرایط اولیه مشارکت اجتماعی زنان است. تعبیر روایت این است که رفتار بعضی از زنان، رفتار آدم های کم خرد است. مثل آدم هایی که سر گذر می ایستند. او نه تنها بر خودش انرژی مثبتی ندارد بلکه کاری می کند که انرژی مثبت مردان را هم سلب می کند. آن وقت مرد به جای این که حواسش به کار علمی یا اقتصادی باشد، به این خانم زیبارو و جلوه گر است. اوایل اسلام زمانی که نماز جماعت خوانده می شد، زنان همانند مردان برای نماز به مسجد می رفتند. شب ها که کوچه تاریک بود، بعضی از جوان ها مزاحم زن ها می شدند. به همین سبب آیه حجاب نازل شد. آیه حجاب مخالف حضور زنان در مسجد نیست. در واقع زنان می توانند برای نماز به مسجد بروند ولی با رعایت حجاب اسلامی. یکی از اصحاب به صورت خصوصی به یکی از زنان قرآن می آموخت.





دخترانه تربیت کنیم!

تحلیل تربیتی صفات در حوزه دختران



حجه الاسلام والمسلمین زیبایی نژاد | مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

نشریه محراب
شماره هشتم

در این نوشتار سعی می شود چند صفت اصلی از صفات ممتاز تربیتی در حوزه دختران را، که می توان در فرایند تربیتی بر روی آنها متمرکز شد، مورد تعریف و تحلیل قرار دهیم.

حیا حالتی روانی است که سبب می‌شود شخص به سبب احساس نظارت دیگران و ترس از سرزنش، از انجام کار زشت بپرهیزد یا کار نیکی انجام دهد

حیا یکی از ویژگی‌های ممتاز جنس مؤنث است. حیا حالتی روانی است که سبب می‌شود شخص به سبب احساس نظارت دیگران و ترس از سرزنش، از انجام کار زشت بپرهیزد یا کار نیکی انجام دهد.^۱ امام صادق (ع) فرمودند: حیا ده جزء دارد که نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان نهاده شده است.^۲ همچنین حضرت در حدیث طولانی دیگری فرمودند: حوا گفت: خداوند! از تو می‌خواهم آنچه به آدم ارزانی داشتی به من ارزانی کنی. خدا گفت: به تو حیا، رحمت و انس را ارزانی کردم.^۳ از این دست روایات استفاده می‌شود:

۱. حیا خاستگاهی طبیعی دارد و زن از ابتدای خلقت بشر دارای این ویژگی بوده است.
۲. حیا هر چند در زن، زمینه‌ای طبیعی دارد اما با عوامل تربیتی قابل تقویت و قابل تضعیف و حتی قابل زوال است؛ از این رو در روایات به حفظ حیا تأکید ورزیده‌اند.
۳. از این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که لازم

است الگوی ارتباطی زنان در مشارکت اجتماعی، بر حفظ حیا استوار باشد.

صبر، ویژگی ممتاز دیگر زنان است. از روایات استفاده می‌شود که صبر زنان در سختی‌های زندگی، به ویژه در سختی‌های فرزندآوری (و فرزندپروری) و خویشن داری جنسی، کارآمد عمل می‌کند.

آرامش بخشی، ویژگی دیگر جنس مؤنث است. با تشکیل خانواده، زن و مرد به آرامش روانی دست می‌یابند. ویژگی‌های عاطفی و مراقبت‌گرایانه زن موجب می‌شود که زن بیش از آن که دریافت‌کننده آرامش باشد، آرامش بخش باشد. امام سجاد در رساله الحقوق فرمود: اما حق زوجهات بر تو آن است که بدانی خداوند عز و جل همسرت را برای تو سبب آرامش و انس قرار داده است. پس بدان که این نعمتی از جانب خداست. پس او را اکرام کن و با رفق و محبت رفتار کن.^۴

عاطفه، صفت دیگر زنان است. دانشوران مسلمان، به ویژه در سده اخیر بر ویژگی‌های عاطفی و احساسات سرشار زنان تأکید کرده‌اند. علامه طباطبایی زن را دارای حیات عاطفی دانسته است و آیت الله جوادی آملی، احساسات زنانه را موجب پیشتازی زن در سلوک معنوی و عرفانی می‌داند. عاطفه زنانه، صفتی ویژه است که در خارج از روابط زناشویی یعنی در روابط خویشاوندی و اجتماعی نیز آثاری دارد.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) فخرالدین طریخی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۸۲.
- (۲) محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۱۴، ح ۲۱.
- (۳) حسین بن محمدتقی نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۴.
- (۴) محمدبن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۸ - ۶۲۶.

عبدالله دشتی | پژوهشگر تربیتی

برکرانه کرامت

ارتباط هویت دخترانه و تقویت کرامت دختران



نشریه محراب
شماره هشتم

■ عزّت نفس: عزّت در اصل از اعزاز بر وزن اساس گرفته شده است و به معنای زمین محکم و غیرقابل نفوذ می باشد.^۱ عزّت در اصطلاح دینی یعنی ارزشمندی، شرافت، و توانایی، که سرمنشأ آن خداوند است. قرآن کریم می فرماید: «أَيُّتُغَوَّنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ آیا نزد کافران عزّت می طلبید، عزّت همه نزد خدا است.»^۲ برخی از عوامل تحقق عزّت نفس از دیدگاه قرآن عبارتند از: اطاعت از پروردگار، تقوای الهی، سخن پاکیزه و ...

در مورد دختران، مؤلفه جنسیت در شکل گیری هویت، نقش جدی ایفا می کند. این که دختر نوجوان نسبت به خود، احساس مثبت داشته باشد و از زن بودن خود راضی باشد، مقدمه شکل گیری یک هویت قوی و همراه با کرامت خواهد بود. بر این اساس بر پدر و مادر و مربی است که بر روی صفات دخترانه کار کنند و روی آنها سرمایه گذاری نمایند. برخی از صفات که می تواند کرامت دختران را تقویت نماید عبارتند از:

دخترانِ عزّت‌مند کسانی هستند که به اندازه کافی از دستاوردها، استعدادها و دارایی‌های خود آگاه هستند، از توانایی‌های خود خوشحال‌اند و خودشان را دوست دارند. به همین دلیل هم احساسات خود را هوشمندانه و عاقلانه و به راحتی با پدر و مادر و دوستانشان در میان می‌گذارند، خود را سرزنش نمی‌کنند و برای خود ارزش قائل‌اند.

عُقْدَةُ مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي؛ گفت: پروردگارا! سینه‌ام را برای این وظیفه سنگین، گشاده گردان. و کارم را برابرم آسان ساز، و گرهی را (که مانع روان سخن گفتن من است) از زبانم بگشای، (تا) سخنم را بفهمند، و از خانواده‌ام دستیاری برابرم قرار ده.^۴ اعتماد به نفس به معنای اعتقاد داشتن به توانایی‌ها و ضعف‌ها است. این‌که انسان بداند که خداوند استعدادها و دارایی‌ها را بین انسان‌ها تقسیم کرده‌است تا هرکس به واسطه نقاط قوت خود، نقاط ضعف جامعه و هم‌نوعانش را بیوشاند.

در اعتماد به نفس دختران، باید به این نکات دقت کرد: نگاه واقعی به استعدادها و دارایی‌های جنس مؤنث به عنوان نقطه قوت جنس زن، نگاه ارزشمندانه به مسئولیت‌های جنس مؤنث به عنوان دختر، مادر، همسر و نقش‌های اجتماعی متناسب با جنس مؤنث، عدم مقایسه نابخردانه خود با جنس مخالف و حتی در مواردی همجنس، عدم نگرانی از قضاوت نامعقول دیگران، جرئت داشتن در نه گفتن، جرئت داشتن در بیان افکار و عقاید خود، قدرت پذیرش انتقادات و اشتباهات، قدرت معذرت‌خواهی، هدفمندسازی و هوشمندسازی ارتباطات عاطفی، احساسی، قدرت تمام کردن ارتباطات عاطفی و اعتقادی ناسالم و نامعقول، حفظ استقلال هویتی و شخصیتی، فکری و عقیدتی و رفتاری و ...

■ میزان رضایت از خود: اگر یک نوجوان از دارایی‌های خود (وضع ظاهر، جنسیت، خانواده، ملیت و مذهب) احساس رضایت داشته باشد و خود را متعلق به ریشه‌هایش و برآمده از آن بداند،

عزت نفس یکی از عوامل تعیین‌کننده نوع رفتار در انسان به شمار می‌رود. درحقیقت برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند، تعیین‌کننده چگونگی برخورد آنها با مسائل مختلف است. دختران عزّت‌مند کسانی هستند که به اندازه کافی از دستاوردها، استعدادها و دارایی‌های خود آگاه هستند، از توانایی‌های خود خوشحال‌اند و خودشان را دوست دارند. به همین دلیل هم احساسات خود را هوشمندانه و عاقلانه و به راحتی با پدر و مادر و دوستانشان در میان می‌گذارند، خود را سرزنش نمی‌کنند و برای خود ارزش قائل‌اند. عزّت‌مند، قدرت نه گفتن به آنچه که با کرامت انسانی منافات دارد، قدرت پذیرش انتقادات سازنده، توانایی دوست داشتن استعدادها و توانایی‌های خود به عنوان نعمت‌های الهی، قدرت احترام گذاشتن به خود و دیگران و ... را دارد.

■ اعتماد به نفس: اعتماد به نفس به معنای آگاهی از دارایی‌ها، استعدادها و توانایی‌هایی است که خداوند در اختیار ما قرار داده‌است و به‌کارگیری درست این توانایی‌ها در راه عبودیت پروردگار است. خداوند شرط استفاده از توانایی‌ها را حرکت در راه تعالی و رشد می‌داند. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهُ؛ بی‌تردید کسی که نفس را (از آلودگی‌ها پاک کرد و) رشد داد، رستگار شد.»^۵ در فرهنگ دینی، اعتماد به خداوند مقدم بر اعتماد به خود است. تا اعتماد به پروردگار شکل نگیرد، اعتماد به خود سامان نمی‌گیرد. حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) قبل از آنکه با فرعون روبرو شود، از خداوند کمک می‌خواهد. او عرضه می‌دارد: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ



به سمت ایجاد یک هویت منسجم می‌رود؛ رضایت از نعمت‌هایی که خداوند به او داده‌است، رضایت از چهره‌ای که خداوند به عنوان امانت در اختیار او قرار داده‌است، رضایت از دختر بودن با تمام قوَّت‌ها، زیبایی‌ها، کمالات و ضعف‌های ظاهری یک دختر، وجود خانواده‌ای که پناهگاه او هستند. چنین رضایتی برخاسته از توحید است؛ رضایت از داشته‌هایی که او را در مسیر عبودیت کمک می‌کند و تا قله‌های تعالی و رشد رهنمون می‌شود. کرامتِ منبعث از چنین رضایتی، پایدار و مستمر و عمیق و راهگشا خواهد بود.

■ **حسّ تعلق‌پذیری:** دختر نوجوان در مسیر هویت‌یابی خود باید به این نتیجه برسد که او متعلق به خداوندی است که او را انسان آفرید و بار امانتِ دختر بودن، همسر بودن و مادر بودن را اختصاصاً در او به ودیعه او گذارد. او متعلق به خانواده‌ای است که دخترشان را دوست دارند، به جایگاه او در خانه به عنوان مظهر رحمت و عطفِ پروردگار احترام می‌گذارند. رفتار پدر با دختر در تقویتِ حسّ تعلق‌پذیری او به خانواده بسیار اهمیت دارد. تقویتِ حسّ تعلق‌پذیری دختر نوجوان به خداوند، خانواده، و جنسیت خود منجر به تقویت ارزش‌های انسانی در او و به دنبال آن،

تقویت کرامت دخترانه می‌شود. ■ احساس قدرت‌مندی: همهٔ نوجوان‌ها دوست دارند برای خود قدرتی را متصور شوند و از احساس قدرت‌مندی لذّت می‌برند. اگر دختران ما بدانند قدرت‌مندی لزوماً به معنای قدرت فیزیکی و زور داشتن نیست و می‌توان با سرمایه‌گذاری بر دیگر داشته‌ها نیز به احساس قدرت رسید، در یافتن هویتشان موفق‌تر خواهند بود. چون موارد و الگوهایی که ما ارائه می‌دهیم پسرانه است، دختران نوجوان به این سمت رفتند که در عوامل، ویژگی‌ها و فاکتورهای پسرانه قدرتمند بشوند، در صورتی که دختران نوجوان می‌توانند مثلاً روی عواطف یا ویژگی‌های دیگری که دارند، قدرت‌مند باشند و روی آنها سرمایه‌گذاری کنند. تا بتوانند از این عواطف به خوبی استفاده کنند. این‌ها عواملی است که در بحث هویت‌یابی دختران نوجوان مؤثر است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۳۳.
- ۲) سوره مبارکهٔ نساء، آیه ۱۳۹.
- ۳) سوره مبارکهٔ شمس، آیه ۱۰.
- ۴) سوره مبارکه طه، آیات ۲۵ - ۲۹.



تربیت دخترانه چیست؟

آمنه سادات میرهاشمی | فعال فرهنگی

بیست و یک الزام تربیتی دختران

الزامات در عرصه بینش

الزامات عرصه بینشی با سرفصل کلی هویت‌شناسی دخترانه شامل شش الزام هویتی می‌شود. الزامات هویتی در تربیت دخترانه عبارتند از:

۱. هویت‌شناسی دختران در هستی:

نارضایتی از زن بودن خود، از جمله آسیب‌هایی است که تعداد زیادی از دختران دچار آن هستند. استفاده از تیپ‌های پسرانه، مقایسه خود با پسران و در نتیجه نگاه اعتراضی به جنسیت دخترانه، مطالبه حقوق مدنی مردانه از جامعه، مطالبه آزادی با تعریف جنسیت مذکر و ... از جمله نشانه‌های مهم عدم توجه مربیان به هویت‌شناسی دختران در هستی است. معنایابی تفاوت تکوینی زن و مرد و همچنین شناخت استعدادها و توانمندی‌های اختصاصی جنس زن موجب می‌شود تا جهان بینی زن نسبت به جنسیتش عمیق و تکامل یافته شود و در مسیر طبیعی خود حرکت نماید.

دختران در فرهنگ دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تأثیرگذاری جنس دختر بر جامعه از بسیاری از آیات و روایات استنباط می‌شود. در کنار منابع دینی، عقل و تجربه تاریخی نیز بر این جایگاه صحه می‌گذارد. شعاع تأثیرگذاری تربیت دخترانه تنها بسیار گسترده است. جوامعی که به تربیت دخترانه توجه دارند در تقویت بنیان‌های خانواده، تربیت نسلی متعادل و پاک، تربیت مادرانی با مهارت‌های تربیتی، تربیت همسرانی موفق، و پرورش زنانی تأثیرگذار بر جامعه پیرامون موفق هستند.

این نوشتار بر آن است تا به الزامات تربیت دخترانه بپردازد. الزامات، مجموعه گزاره‌هایی است که در فرایند تربیت دختران باید توسط مربی (والدین، معلم و ...) رعایت شود. توجه به الزامات در فرایند تربیت دختران باعث می‌شود تا دختر طی زندگی خود، نقش دختری و مهارت خوب دختر بودن را رعایت کند.

الزامات تربیت دخترانه در سه عرصه بینش، گرایش و رفتار مورد توجه قرار می‌گیرد.

تأثیر مثبت دختر بر پدر، تأثیر مثبت دختر بر مادر و همچنین تأثیر مثبت دختر بر دیگر اعضای خانواده زمانی محقق می‌شود که خانواده جایگاه حقیقی دختر را پاس بدارد.

۲. جایگاه‌شناسی دختران در خانواده

نگاه سیستمی به خانواده و توجه به جایگاه دختر در سیستم خانواده بسیار اهمیت دارد. تأثیر مثبت دختر بر پدر، تأثیر مثبت دختر بر مادر و همچنین تأثیر مثبت دختر بر دیگر اعضای خانواده زمانی محقق می‌شود که خانواده جایگاه حقیقی دختر را پاس بدارد. تکریم دختر، دوری از رفتارهای تبعیض آمیز به نفع پسران، تقویت مهارت‌های ارتباطی پدر - دختری از جانب پدران، شناخت استعدادها و توانمندی‌های جنس مؤنث از طرف خانواده و ... موجب می‌شود تا خانواده وظیفه خود را در فرایند تربیت دختران انجام دهد.

۳. خودآگاهی دخترانه

خودآگاهی دخترانه شامل شناخت استعدادها و توانمندی‌ها است. اگر خودشناسی به شکل صحیح انجام شود به خودشناسی در شاخصه‌های هویتی منجر می‌شود. برخی از مکاتب غیردینی، تفاوت‌های زن و مرد را به دو قسم تقسیم می‌کنند:

یک. تفاوت‌های طبیعی یا جنسی مانند: تفاوت‌های ظاهری، قدرت، توانایی زایمان و ...
دو. تفاوت‌هایی که به گمان آنها منشأ تربیتی و اجتماعی دارد مانند: تفاوت‌های ذهنی، کلامی، روحی و روانی و ...^۱

به باور این گروه، تفاوت‌های جنسیتی، طبیعی و سرشتی نیست؛ پس باید از مسیر آموزش و تربیت یکسان، این تفاوت‌ها را حذف کرد. نتیجه این دیدگاه، نپذیرفتن بخش مهمی از تفاوت‌ها

و استعدادهای دخترانه است. با آن تفسیر هیچ جایگاهی برای مأموریت‌های متفاوت میان زن و مرد و به دنبال آن، تلاش برای زن نگه داشتن جنس مؤنث وجود ندارد.

مبنای اسلام، پذیرش قطعی تفاوت‌ها و استعدادهای دخترانه است. در روایتی طولانی در ضمن داستان حضرت آدم و حوا آمده است که حضرت حوا عرضه داشت: پروردگارا! از تو می‌خواهم آن نعمت و فضیلتی که به آدم ارزانی داشتی، به من هم مرحمت فرمایی. پروردگار متعال فرمود: من به تو حیا و رحمت و مهربانی و انس و آرام یافتن را عطا کردم.^۲

توانمندی در عواطف و احساسات، توانایی تمرکز بر چند فعالیت، توانایی‌های کلامی، توانایی‌های ارتباطی، توانایی در حس زیبایی‌شناختی، توانایی همدلی و همدردی و ... ازجمله این تفاوت‌ها است.

۴. شناخت بلوغ دخترانه

در سه حوزه جسمی، فکری و روحی بلوغ شکل می‌گیرد. بلوغ جسمی دختران در واقع دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است. در این دوره ترکیب بدنی و ویژگی‌های جنسی ثانویه شکل می‌گیرد. بلوغ و رشد ذهنی دختران در این سن افزایش می‌یابد. در این دوران، دختر به دنبال هویتی است که در مورد کارهایش استدلال کند. او به دنبال هویتی است که خود را در مقابل آن متعهد سازد و برای انتخاب‌های مهم در بزرگسالی آماده شود. بلوغ روحی و عاطفی دختران با بلوغ روحی و





۱. پُرکاری و پشتکار و پرهیز از کسالت و تنبلی

در فرهنگ دینی، پُرکاری و پرهیز از تنبلی یکی از ویژگی‌های اصلی مؤمن معرفی می‌شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «المؤمن ... بَعِيدٌ كَسَلُهُ، دَائِمٌ نَشَاطُهُ».^۳ در روایات نشاط، از جنود عقل و کسالت، از جنود جهل شناخته شده‌است.^۴ اضطراب، ناامیدی، بی‌هدفی و ... ازجمله ریشه‌های اهمال‌کاری و کسالت هستند. نگاه مبهم به هویت جنسی و عدم توجه به اهمیت نقش مادری و همسری و اجتماعی در جنس مؤنث و همچنین نگاه تردیدآمیز به نقش اجتماعی دختر باعث شده‌است تا اهمال و عدم پویایی در برخی از دختران نمود بیشتری داشته باشد. در فرایند تربیتی، نگاه فعال به زندگی، توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌های یک دختر در زندگی، توجه به داشته‌ها و توانمندی‌ها و استعدادها و فعال کردن توانایی‌ها و ... زمینه‌های پُرکاری و تلاش را در دختر نوجوان فراهم می‌کند.

۲. صبر در برابر مشکلات

در کنار جلوه‌های زیبای تشکیل خانواده و با همسر و فرزندان بودن، سختی‌های زندگی هم وجود دارد. سختی‌های فرزندپروری، سختی‌های معیشتی که در طول دوران زندگی به وجود می‌آید، بلاها و امتحانات الهی، اختلاف سلیقه‌ها و ... ازجمله مواردی هستند که انسان می‌تواند با صبر و تحمل در برابر آنها، شاهد شیرین پیروزی را به خود و خانواده بچشاند. تمرین صبوری و مدیریت بی‌تابی ازجمله مهارت‌هایی است که دختران به واسطه

عاطفی پسران تفاوت‌هایی دارد. در این دوران، احساساتی همچون ترس، اضطراب، محبت، علاقه به تمجید، خشم، شرم و خجالت و ... نمود بیشتری پیدا می‌کند. دختر نوجوان در این مرحله از عمر به محبت و توجه نیاز دارد.

۵. شناخت فلسفه ازدواج و انتخاب همسر

ایجاد نگاهی شفاف از ازدواج در ذهن دختر نوجوان از کارهای اصولی است که باید در حوزه شناخت صورت گیرد. توجه به نظام زوجیت در عالم و خلقت موجودات به صورت زوج، توجه به فلسفه ازدواج، تأثیر ازدواج بر زندگی فردی و اجتماعی، تأثیر ازدواج بر رشد روحی و روانی و شخصیتی و ... ازجمله معارفی است که باید دختران نسبت به آن شناخت پیدا کنند. دوری از ازدواج و آسیب‌هایی که در پی تضعیف امر ازدواج به فرد و جامعه وارد می‌شود نیز از موضوعات مهم شناخت فلسفه ازدواج است.

۶. شناخت نقش اجتماعی

الزامات عرصه گرایش

گرایش یا احساسات جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان است. توجه به احساسات در فرایند تربیت بسیار اهمیت دارد. احساسات مثبت، تسهیل‌گر امر تربیت هستند. در فرایند تربیت دخترانه، شش الزام‌گرایشی باید رعایت شود که در ادامه به آنها می‌پردازیم.



بهره جنس مؤنث از زیبایی و عواطف آشکار، ضریب حساسیت حیا را بیشتر می‌کند. زمینه‌های خودنمایی و خودآرایی در جنس مؤنث بیشتر از جنس مذکر است. در فرایند تربیت دخترانه توجه به حیا در جهت مدیریت خودنمایی و خودآرایی بسیار اهمیت دارد.

می‌کند و بیماری مشغول شدن به خود را در انسان تقویت می‌کند. اشتغال افراطی و بیمارگونه به خود، سیستم ارتباطی با همسر و فرزندان را مختل می‌کند.

۶. اهتمام به حیا

بهره جنس مؤنث از زیبایی و عواطف آشکار، ضریب حساسیت حیا را بیشتر می‌کند. زمینه‌های خودنمایی و خودآرایی در جنس مؤنث بیشتر از جنس مذکر است. در فرایند تربیت دخترانه توجه به حیا در جهت مدیریت خودنمایی و خودآرایی بسیار اهمیت دارد.

الزامات عرصه رفتار

الزامات تربیت دخترانه در عرصه رفتار نه مورد می‌باشد که تیتروار ارائه می‌گردد.

۱. تقویت بنیه سلوکی و معنوی؛ ۲. آداب معاشرت با والدین؛ ۳. آداب معاشرت با اعضای خانواده؛ ۴. آداب معاشرت با دوست؛ ۵. مدیریت هوش زبانی؛ ۶. حفظ حریم در ارتباط با نامحرم؛ ۷. اهتمام به سلامت و تغذیه؛ ۸. اهتمام به اخلاق اقتصادی؛ ۹. انتخاب درست مسیر علمی دخترانه.

در پایان لازم به ذکر است که در تهیه این نوشتار از کتاب الگوی تعالی دختران اثر استاد محمدجواد حاج علی اکبری، بهره فراوان برده شد.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) فمینیسم‌های موج دوم، (۱۹۶۰-۱۹۸۰م).

(۲) مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۱۴.

(۳) بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۶.

(۴) اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰.

حساسیت‌های روحی خود به آن نیاز دارند. باید توجه داشت که نوع صبر و تحمل در جنس مؤنث با جنس مذکر تفاوت دارد.

۳. پرهیز از سوءظن

لطافت و حساسیت از نقاط قوت و جزء جدایی‌ناپذیر جنس مؤنث است. اما باید دانست که حساسیت‌های افراطی به وقایع پیرامون زندگی گاه منجر به سوءظن نسبت به افراد دیگر می‌شود. مدیریت سوءظن و نگاه همراه با حسن ظن به خانواده و جامعه، هنر دختر امروز است؛ این‌که او مرزهای حسن ظن و سوءظن را بشناسد و از افراط و تفریط در سوءظن و حسن ظن در امان باشد.

۴. مهربانی و عاطفه

یکی از وجوه تمایز اساسی زنان از مردان، فزونی جنبه‌های عاطفی زنان است. در فرایند تربیت دخترانه این الزام از پایه‌های اصلی به حساب می‌آید. دختران بدون تحصیل این الزام، توفیق چندانی در تحصیل مسئولیت‌های دخترانه ندارند.

۵. پرهیز از حسادت

مقایسه ظاهری داشته‌ها و زیبایی‌های خود با دیگران از جمله سرگرمی‌های جنس مؤنث است. او دوست دارد لباس و زینت‌هایش را با دیگران مقایسه کند. اما گاه این مقایسه، انسان را از مرحله غبطه به حسادت می‌کشاند. حسادت در زندگی مادرانه و همسرانه، میزان وفاداری و انس را کم



فَالسُّوْلُ الْفَرِیْقُ الْاَلِیُّ عَلَیْهِ سَلاَمٌ
أَحَبَّ اِلَیَّ مِنَ اَحَبِّ حُسَیْنًا
کامل الزیارات ۵۲ باب ۱۴ حدیث ۱۱

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:
خداوند دوستدار کسی است
که حسین را دوست دارد
محرم ۱۴۳۴، حسینیه هدایت تهران